

دیدبان انتخابات افغانستان:

در برخی ولایت‌ها صندوق‌ها به نفع نامزد مشخصی پر شده است



رئیس دیدبان انتخابات افغانستان، به‌طور مشخص از ۲۱ مورد پرشدن صندوق به شکل غیر قانونی در ولایت‌هایی مانند پکتیا، بلخ، غزنی، لوگر، میدان وردگ، قندهار، جوزجان و پکتیکا خبر داد.

داکتر عبدالله عبدالله: دیگر امرخیل قابل اعتماد نیست



هارون مجیدی

در حالی که دو روز از درخواست داکتر عبدالله عبدالله نامزد پیشواز انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان، مبنی بر به تعلیق درآوردن وظیفه ضیاءالحق امرخیل رئیس دبیرخانه کمیسیون انتخابات می‌گذرد، مسولان این کمیسیون می‌گویند که درباره اتهامات وارده بر امرخیل اسنادی وجود ندارد. این درحالی است فرمانده پولیس کابل و تیم اصلاحات و همگرایی می‌گویند که ده‌ها سند معتبر درباره تقلب سازمان‌یافته امرخیل به نفع اشرف غنی احمدزی را در اختیار دارند. تیم اصلاحات و همگرایی می‌گوید که ارگ ریاست‌جمهوری به گونه مستقیم از...
ادامه صفحه ۶

ناظرین اتحادیه اروپا:

نتوانستیم انتخابات را در کل افغانستان نظارت کنیم



دور دوم نشان می‌دهد که حضور زنان در این دور از انتخابات نیز کم‌رنگ بوده است. او دلیل حضور کم‌رنگ حضور زنان در انتخابات را مشکلات امنیتی عنوان...
ادامه صفحه ۶

شکایات در مورد انجام تقلب و تخلف درج شده و ما از نزدیک این تقلب و تخلف را بررسی کرده و نتیجه آن را بعداً با شما شریک خواهیم ساخت. او تصریح کرد، ما در مورد این‌که انتخابات چه‌گونه برگزار شد و این‌که میزان تخلف و تقلب به چه پیمانیه بوده است، اطلاعات‌مان را بعداً با شما شریک خواهیم ساخت، زیرا اظهار نظر در این مورد هنوز زود است. به گفته تیس برمن، با وجود این‌که کمیسیون انتخابات افغانستان تعداد محلات رای‌دهی را در دور دوم انتخابات افزایش داده بود؛ اما با آن هم کمبود برگه‌های رأی دهی در برخی مناطق محسوس بود و شکایاتی مبنی بر این مساله وجود داشت. وی همچنان افزود، شرکت ۳۶٪ زنان در انتخابات

ناحیه نوری

نتیجه انتخابات افغانستان را تقلب و تخلف تعیین نمی‌کند؛ بل نتیجه را مردم و رای‌دهنده‌گان تعیین و مشخص خواهند کرد.

تیس برمن رئیس هیات ناظران اتحادیه اروپا، ضمن ابراز این سخن در یک کنفرانس مطبوعاتی که روز گذشته در کابل برگزار شده بود، گفت که مردم افغانستان تخلف و تقلب را نمی‌پذیرند.

او همچنان گفت، در صورتی‌که تخلف و تقلب انجام شده باشد، ما آن را بر ملا خواهیم کرد؛ اما هنوز زود است و باید منتظر باشیم.

رئیس هیات ناظران اتحادیه اروپا افزود، بیش از صدها

وزیر خارجه ترکیه به دبیرکل ناتو:

ثبات سیاسی در افغانستان به اندازه ثبات امنیتی مهم است

ترکیه: اولویت‌های ناتو حمایت از دموکراسی‌ها و معیارهای دموکراسی و حفظ ثبات است. ما با ناتو در افغانستان همکاری‌هایی داشتیم. باید به افغانستان توجه کنیم چرا که ثبات سیاسی در این کشور به اندازه ثبات امنیتی مهم است. این مساله مهم است که همکاری میان ناتو و افغانستان ادامه داشته باشد.



سیاسی در این کشور به اندازه ثبات امنیتی مهم است. این مساله مهم است که همکاری میان ناتو و افغانستان ادامه داشته باشد. ما از راسموسن به خاطر این سفرش قدردان هستیم. او با...
ادامه صفحه ۶

احمد داوود اوغلو روز دوشنبه در کنفرانس خبری با دبیرکل ناتو اعلام کرد که اولویت ناتو حمایت از دموکراسی‌ها و حفظ ثبات است. به گزارش شبکه خبری اسکای نیوز عربی، احمد داوود اوغلو، وزیر خارجه ترکیه در کنفرانسی خبری با آندرس فوگ راسموسن، دبیرکل ناتو در آنکارا عنوان داشت: ناتو در مرحله آتی با چندین چالش مواجه خواهد بود.

رئیس دستگاه دیپلماسی ترکیه افزود: اولویت‌های ناتو حمایت از دموکراسی‌ها و معیارهای دموکراسی و حفظ ثبات است. ما با ناتو در افغانستان همکاری‌هایی داشتیم. باید به افغانستان توجه کنیم چرا که ثبات

وزارت خارجه افغانستان:

پاکستان عامل گسترش

تروریسم است



وزارت خارجه افغانستان، پاکستان را عامل اصلی گسترش تروریسم در منطقه دانست. شکیب مستغنی سخنگوی وزارت خارجه روز گذشته در یک نشست خبری در کابل با اشاره به یادداشت رسمی دولت افغانستان، پاکستان را عامل اصلی گسترش تروریسم...
ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



بیایید
از رای‌مان
پاسداری
کنیم



تحولات علوم،
اندیشه‌ها و
اقتصاد از جهانی
جادویی تا توفان
خلقت



بورديو
و سلطه
مردانه



احمد ظاهر و
شوخی طبعی
یما ناشر
یکمکش- بی بی
سی

احمد عمران



بسیایید از رای مان پاسداری

کنیم

افغانستان با برگزاری دور دوم انتخابات، وارد وضعیت پیچیده و دشواری شده است. پیچیده‌گی و دشواری وضعیت فعلی نیز چیز طبیعی و عادی نیست، بل گروه‌هایی با برنامه‌ریزی و طراحی بحران، مسبب این وضعیت‌اند. سخنان دکتر عبدالله رهبر تیم اصلاحات و همگرایی در واکنش به مسایل انتخاباتی، هرچند از موضع نرم‌افزارانه برخوردار بود، ولی پیام‌های روشنی را به مردم، دولت و جامعه جهانی در برداشت.

رهبر تیم اصلاحات و همگرایی، در زمان حساسی، سخنان و مواضع خود را اعلام کرد؛ زمانی که تلاش‌ها برای وارونه جلوه دادن واقعیت‌ها به شدت آغاز شده و تمامیت‌خواهان - چه آنانی که بر سر قدرت‌اند و چه آنانی که خواب قدرت را می‌بینند - از مدت‌ها به این طرف، طرح توطئه بزرگ برای افغانستان را چیده‌اند. آقای عبدالله به گونه‌ی در سخنان خود نشان داد که بازی با سرنوشت و آینده کشور، این‌بار بی‌پاسخ نخواهد بود و اگر تمامیت‌خواهان فکر کرده‌اند که اتفاق سال ۱۳۸۸ بازم تکرار خواهد شد، پس هنوز افغانستان و مردم آن را به خوبی نشناخته‌اند.

آقای عبدالله با اشاره به ارقام بالای ارایه‌شده از سوی کمیسیون انتخابات مبنی بر میزان مشارکت در انتخابات ۲۴ جوزا، آن را تکذیب کرد. کمیسیون انتخابات در پایان روند رای‌دهی اعلام کرد که بیش از هفت میلیون واجد شرایط در رای‌گیری شرکت کرده‌اند. این رقم با توجه به وضعیت کشور و واقعیت انتخابات، رقم غیر قابل دفاعی است. هیچ نهاد و سازمان بی‌طرفی، چنین رقمی را نمی‌تواند تأیید کند. اما ایستاده شدن در برابر چنین رقمی هم، کار ساده‌ی نیست که رهبر تیم اصلاحات و همگرایی آن را نشان داد.

ارایه چنین رقم‌هایی، شباهت بسیار با سازوکارهای نهادهای استبدادی دارد. به چنین ارقامی در جهان، ارقام استالینی گفته می‌شود؛ ارقامی که فاقد واقعیت‌اند ولی دستگاه‌های قدرت آن‌ها را به گونه دروغین به واقعیت تبدیل می‌کنند. به یاد داشته باشیم که در دور نخست انتخابات، کمیسیون حاضر نبود که هیچ رقمی از شرکت‌کنندگان را در اختیار مردم قرار دهد. آن‌زمان منافع گروه‌های ذی‌دحل در انتخابات، ایجاب می‌کرد که ارقام رای‌دهنده‌گان پنهان باقی بماند تا سر فرصت و پس از انجام تقلب‌های لازم، رقمی ارایه شود که با مهندسی آرا مطابقت داشته باشد.

سخن ماندگار

مسوول اصلی بحران در انتخابات کیست؟

محاسبات و گزارش‌های ابتدایی شمارش آرا نشان می‌دهد که یک تقلب و توطئه بی‌پیشینه در کشور به راه افتاده است و در این توطئه بزرگ، کمیسیون‌های انتخاباتی نقش اجرایی دارند. شدت و گسترده‌گی این توطئه و تقلب به حدی است که همه‌جا سخن از بحران زده می‌شود و حتی دکتر عبدالله نامزد پیش‌تاز انتخابات را نگران کرده است؛ چنان‌که در نشست خبری خود، خواستار برطرفی کسی شد که به‌طور مستند در هنگام سازمان‌دهی تقلب دستگیر شده بود.

تخمین زده می‌شود که حدود سه میلیون رای از سوی کمیسیون انتخابات در یک برنامه بسیار منظم اما توطئه‌آمیز به سود یک نامزد تقلب شده است. این تقلب چنان عیان و آشکار است که با آمارهای دور اول انتخابات، زمین تا آسمان تفاوت دارد. در نمونه‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است، آرای برخی از ولسوالی‌ها سه مرتبه بالاتر از نفوس اصلی آن نشان داده شده است. اکنون هم این تقلب به‌صورت سرسام‌آور جریان دارد و می‌رود که به‌زودی رئیس‌جمهور آینده را در نتیجه همین تقلب اعلام بدارند.

بنابراین، پرسش این است که چه‌گونه شرایط به این‌جا کشید و چرا با یک پروسه دموکراتیک این‌گونه بازی شد؟ روشن است که همه کار دست کمیسیون انتخابات است. اما کمیسیون انتخابات، بازپرسی‌ست در دست حکومت که در دو انتخابات گذشته به تجربه نشان داد که منبع اصلی توطئه و تقلب است.

تحلیل‌ها بر آن است که رئیس‌جمهور کزری عملاً در سازمان‌دهی تقلب در انتخابات، از طریق کمیسیون‌ها دست دارد. حکومت نیک می‌داند که نشان دادن نفر دوم انتخابات به عنوان نفر اول، به صورت طبیعی بحران‌ساز است. آقای کزری می‌داند که مردم افغانستان زعامت کسی را که با تقلب به قدرت می‌رسد، قبول ندارند؛ بنابراین بحران خلق می‌کند و این‌گونه می‌خواهد وارد میدان شود.

تجربه نشان داده است که سیاست افغانستان بر بنیاد مصلحت است. حق‌طلبی‌ها و حق‌خواهی‌ها همواره قربانی مصلحت شده است. به احتمال قوی، بروز بحران مجال مصلحت‌آفرینی را برای آقای کزری خلق می‌کند و این مصلحت در نهایت، به سود آقای کزری تمام می‌شود. مصلحت نیز آن خواهد بود که آقای کزری به حیث رئیس‌جمهور مادام‌العمر باقی بماند؛ چرا که نامزدان با هم کنار نیامده و کشور را تالبه پرتگاه سوق داده‌اند!

این وضع به‌ساده‌گی می‌تواند توجه جامعه جهانی را هم جلب کند. زیرا جامعه جهانی به هر صورت ممکن سعی در مهار بحران خواهد کرد و اجازه نخواهد داد که هزینه‌گذاری‌های سیزده سال اخیر به همین آسانی فدای بحران شود. بنابراین، طرحی را که آقای کزری ترسیم کرده است، محقق خواهد شد.

حالا پرسش این است که چنین طرحی به چه قیمتی محقق می‌شود؟

بدیهی است که به ازای توهین به یک مردم، تحقیر یک ارزش (دموکراسی و انتخابات) و در نهایت، تحکیم توتالیتریسیم.

اما جناب کزری در این مورد یک بار دیگر اشتباه می‌کند، چون قول معروفی است که زور مردم، زور خداست. اگر حیثاً به اراده مردم توهین شود و به تصمیم مردم احترام گذاشته نشود، و در نهایت اگر بحران خلق شود، دیگر مجالی برای مصلحت و مصلحت‌اندیشی نخواهد ماند. به یقین که آن‌گاه دامنه بحران از مدیریت همه بیرون می‌شود و بی‌نظمی و ناآرامی، اول از همه شیرازه حکومت‌داری مهندس و متقلب اصلی را از هم فرو خواهد پاشید!

پرداخت ۱۲ میلیون دالر از سوی تیم تحول و تداوم برای آقای امرخیل بر سر زبان‌ها افتاد که از آن به هدف انجام تقلب‌های گسترده استفاده کند. این شایعه تحت شعاع مسایل انتخاباتی قرار گرفت و چندان بی‌گیری نشد، ولی حالا دیده می‌شود که شاید آن شایعه نیز بی‌اساس نبوده باشد.

آقای عبدالله ضمن درخواست فوری برکناری آقای امرخیل گفت که پس از این، تیم اصلاحات و همگرایی در وضعیت تصمیم‌گیرنده عمل خواهد کرد و نسبت به قضایای موجود بی‌طرف نخواهد بود. آقای عبدالله گفت که خواهان رسیده‌گی فوری به مسأله امرخیل است.

رهبر تیم اصلاحات و همگرایی، هم‌چنین با اشاره به جریان تقلب‌های سازمان‌یافته گفت که برای تیم او قابل قبول نخواهد بود که در مناطقی شمار رای‌دهنده‌گان بیشتر از شمار واجدان شرایط رای‌دهی باشد.

این موضوع نیز از چالش‌های اصلی انتخابات افغانستان باید گفته شود؛ چنان‌که در انتخابات‌های گذشته بارها دیده شد که در مناطقی خلاف شمار اندک افراد واجد شرایط، آرای کلانی به صندوق‌ها به نفع افراد خاصی ریخته شد.

تقلب‌های انتخاباتی در افغانستان اگر مهار نشود، می‌تواند به پیمانۀ وسیعی انجام شود و این درسی است که از انتخابات‌های گذشته گرفته‌ایم. اما این بار وضع فرق می‌کند. تمامیت‌خواهان این‌بار کور خوانده‌اند که مردم را به حساب نیاورده‌اند. این بار مردم افغانستان از آرای‌شان پاسداری می‌کنند. دیگر زمان خاک به چشم مردم زدن، گذشته است. مردم خواهان تغییر و اصلاحات‌اند و تمام قراین و شواهد نیز نشان می‌دهند که در انتخابات ۲۴ جوزا، مردم به کدام تیم انتخاباتی اعتماد کرده‌اند. این بار سال ۸۸ نیست که بتوان به گونه استالینی مردم را فریب داد. این بار مردم افغانستان به صدای واحد تبدیل شده‌اند؛ صدایی که از ارزش‌ها و منافع خود پاسداری خواهد کرد و این موضوع را ما در عمل خواهیم دید.

ولی در دور دوم انتخابات به دلیل این‌که مکانیزم تقلب و مهندسی آرا تغییر یافته بود، باید ارقام دل‌خواه در همان ساعات اولیه از سوی کمیسیون ارایه می‌شد.

رقمی را که رئیس کمیسیون انتخابات ارایه کرد، رقم دل‌خواه گروه تمامیت‌خواه بود و نه آن چیزی که واقعا در کشور شاهد آن بودیم. آقای عبدالله به‌صراحت گفت که رقم شرکت‌کنندگان در انتخابات، خیلی پایین‌تر از چیزی است که کمیسیون انتخابات مدعی آن است.

مسأله دومی را که آقای عبدالله به آن در سخنرانی مطبوعاتی خود اشاره کرد، رسیده‌گی به تقلب‌های انتخاباتی و به‌ویژه پرونده ضیا امرخیل رئیس دبیرخانه کمیسیون انتخابات است. در این‌که در انتخابات ۲۴ جوزا تقلب‌های گسترده و سازمان‌یافته انجام شده، هیچ شکی باقی نمانده است. اما این‌بار خلاف دوره‌های قبلی، اسناد و شواهد لازم در مورد خاطی‌ها و تقلب‌کاران در دست است. نمونه بارز و روشن آن، شخص رئیس دبیرخانه کمیسیون انتخابات است که در جریان یک تقلب گسترده، عملاً از سوی پولیس کابل توقیف شد. اگر پای رئیس‌جمهوری در قضیه آقای امرخیل نمی‌بود، این فرد باید حالا در بازداشتگاه به‌سر می‌برد، ولی افسوس که در افغانستان حامی اصلی خلاف‌کاران و جنایت‌پیشه‌گان، کسی نیست به‌جز از رئیس‌جمهوری کشور.

آقای امرخیل بدون این‌که نهادهای مسوول را در جریان قرار دهد، می‌خواست بیش از ۵۰۰ هزار برگه رای‌دهی را به ولسوالی سروبی کابل انتقال دهد. پرسش این‌جاست که آیا در ولسوالی سروبی کابل این‌قدر شرکت‌کننده وجود داشته که نیاز به انتقال ۵۰۰ هزار برگه دیگر بوده است؟... همین مورد اگر به‌درستی مورد بررسی قرار گیرد، بدون شک تقلب‌های کلان دیگر که از سوی آقای امرخیل انجام شده و تا به حال افشا نشده، رو خواهد شد.

آقای امرخیل بازی کلانی را انجام داده و بدون شک این بازی بی‌پاسخ نخواهد ماند. در همین حال فراموش نکنیم که پیش از برگزاری دور دوم انتخابات، شایعاتی مبنی بر

هیلاری کلینتون:

امریکا رهبری زنان را از آلمان بیاموزد



هیلاری کلینتون در مصاحبه با یک نشریه آلمانی گفت که آمریکا باید از آلمان که یک زن رهبر آن است الگو برداری کند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، هیلاری کلینتون، وزیر خارجه سابق آمریکا در این مصاحبه از اشاره مستقیم به اینکه خودش را با آنگلا مرکل صدراعظم آلمان مقایسه کند، خودداری کرد. وزیر خارجه سابق آمریکا در مصاحبه با یک مجله آلمانی که قرار است روز چهارشنبه متن کامل آن منتشر شود گفت: ما در این زمینه از کشور آلمان عقب هستیم. کلینتون اضافه کرد: البته من می‌خواهم آمریکا بتواند به زودی یک رهبر زن داشته باشد و هر کاری بتوانم برای تحقق چنین اتفاقی انجام می‌دهم. اگرچه نمی‌دانم که این فرد خود من باشم یا خیر. این در حالی است که گمان برده می‌شود کلینتون که سابق بر این یک سناتور بوده، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا کاندیدا شود.

وی همچنین در این مصاحبه اظهار داشت که خشم آلمان از افشای شنود آژانس امنیت ملی آمریکا از تلفن همراه آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان را درک می‌کند. کلینتون گفت: من همان قدر که آلمانی‌ها خشمگین هستند خشمگینم. از دوست و همپیمان خود می‌خواهم تا سریعاً استراق سمع را متوقف کند. در عین حال وی تأکید کرد که توافق عدم جاسوسی میان آمریکا و آلمان همانطور که برخی سیاستمداران آلمانی مطالبه کردند، یک گزینه عملی نیست. کلینتون اضافه کرد: چنین پیمانی به اندازه کافی منقطع نخواهد بود. من فکر نمی‌کنم که یک پیمان مکتوب راه درستی برای انجام این کار باشد و در درجه اول نیز نباید چنین چیزی لازم باشد.

روسیه انتقال گاز به اوکراین را قطع کرد

همزمان با تمام شدن مدت ضرب الاجل پرداخت و ناکامی مذاکره کنندگان برای دستیابی به توافقی در خصوص قیمت‌های گاز و صورت حساب‌های پرداخت نشده، روسیه روز دوشنبه اعلام کرد، انتقال گاز به اوکراین را متوقف می‌کند.

به گزارش خبرگزاری اسوشیتد پرس، سرگئی کورپیانف، سخنگوی شرکت گازپروم گفت: از آنجایی که اوکراین تا امروز هیچ مبلغی پرداخت نکرده، مسکو دیگر هیچ دلیل قانونی برای انتقال گاز به اوکراین ندارد.

وی افزود: شرکت گازپروم تنها مقدار گازی که اوکراین مبلغ آن را پرداخت کرده، منتقل می‌کند و میزان گازی که مبلغ آن پرداخت شده صفر است.

انتقال گاز به اروپا طبق برنامه ادامه می‌یابد و اوکراین ملزم است تا مطمئن شود که این میزان گاز به دست مشتریان اروپایی خواهد رسید.

شرکت گازپروم در بیانیه‌ی گفت: به کمیسیون اروپا اطلاع داده شده بود که اگر اوکراین بخواهد مبلغ گاز انتقالی را پرداخت نکند، احتمال قطع گاز وجود دارد.

اوکراین همواره پرداخت مبلغ گاز دریافتی برای گرمایش منازل و ادامه کار صنایعش را به تعویق انداخته است.

شرکت گازپروم به ویکتور یانوکوویچ، رئیس‌جمهوری سرنگون شده اوکراین هم هزار متر مکعب گاز را با تخفیف ۳۶۸،۵۰ دلار می‌فروخت. این مبلغ اول آوریل سال جاری میلادی لغو و به ۴۸۵ دلار برای هر هزار متر مربع گاز افزایش یافت. شرکت گازپروم تاخیر در پرداخت مبالغ را تحمل کرده اما در حال حاضر می‌گوید که اوکراین از سال گذشته و سال جاری میلادی ۴،۴۵۸ میلیارد دلار برای گاز به روسیه بدهکار است.

روسیه به اوکراین فرصت داده بود تا ساعت ۹ صبح روز دوشنبه به وقت کی‌یاف ۱،۹۵ میلیارد دلار بابت صورتحساب‌های قبلی پرداخت کند. از این رو با تمام شدن مهلت ضرب‌الاجل پرداخت شرکت گازپروم در بیانیه‌ای گفت: از این پس پیش از انتقال گاز مبلغ توافق شده را دریافت می‌کند.

شرکت گازپروم افزود کل بدهی اوکراین به این شرکت ۴،۵ میلیارد دلار است.

معاون نخست وزیر روسیه گفت، تصمیم‌گیری‌ها درباره اقدامات آتی در رابطه با اوکراین پس از نشست الکسی میلر، مدیر عامل شرکت گازپروم و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه اتخاذ می‌شوند.

آیا عراق در مسیر فروپاشی قرار گرفته است؟



به گفته کارشناسان منطقه، حفظ و یکپارچگی وحدت ملی در عراق همواره دشوارتر می‌شود و این کشور را خطر تجزیه تهدید می‌کند. جنگ قدرت میان نیروهای فرقه‌ای ابعادی گسترده به خود گرفته و می‌تواند از مرزهای عراق فراتر رود.

نیروهای موسوم به «داعش» در مدت کوتاهی راه خود را به سوی بغداد هموار کردند. اگرچه پیشروی برق‌آسای آنان در این میان متوقف شده است، ولی به نظر می‌رسد که شکاف عمیق میان نیروهای فرقه‌ای در عراق قطعی و روند تجزیه به نظر بازگشت‌ناپذیر شده است.

شماری از کارشناسان برجسته منطقه معتقدند رقابت سختی که میان نیروهای شیعه پیرامون دولت نوری مالکی از یک‌سو و اقلیت سنی از دیگر سو در گرفته است، می‌تواند توازن قدرت سیاسی در کل منطقه را برهم زند. «ایجاد مرزهای تازه»

به گزارش رویترز، فواز جرجس، کارشناس دانشکده اقتصاد لندن معتقد است که روند فروپاشی قدرت در عراق توقف‌ناپذیر است و در این کشور «مرزهای تازه‌ای ایجاد خواهد شد». به باور وی، صرفنظر از اینکه در روزها و هفته‌های آینده چه حوادثی در عراق روی دهد، ما شاهد تقسیم‌بندی قدرت در این کشور خواهیم بود.

۱۱ سال پس از سرنگونی صدام، سنی‌های عراق از تسلط دولت شیعه مالکی ناراضی هستند. به همین دلیل نیروهای افراطی گروه موسوم به «دولت اسلامی در عراق و شام» (داعش) کار آسانی در پیش دارند.

به گفته جرجس «سنی‌های عراقی حتی حاضرند با شیطان پیمان ببندند تا بتوانند بر مالکی چیره شوند و خطر در همین جاست.»

داعش نیروهای خود را به آسانی از میان سربازان سابق رژیم صدام جذب می‌کند و موفق شده «ارتش کوچکی» ایجاد کند که سربازان آن از انگیزه به مراتب بالاتری برخوردارند تا ارتش دولت مالکی که با میلیاردها دلار کمک‌واشنگتن آموزش دیده است.

ولی پیشروی برق‌آسای نیروهای داعش در عین حال زنگ خطر را برای دولت‌مردان خارج از مرزهای عراق نیز به صدا درآورده است و اتحادهای تازه‌ای را ممکن ساخته که تا چندی پیش قابل تصور نبود. برای نمونه دولت ایران که همسایه عراق و قدرتی منطقه‌یی است اخیراً اعلام کرد که با توجه به خطر نیروهای افراطی، حاضر به همکاری با ایالات متحده آمریکا است.

«قانونی برای تروریست‌ها»

از سوی دیگر واشنگتن هم بیم آن دارد که با بازگشت افراطیون به صحنه سیاسی عراق، راه برای ایجاد قانون قدرت خطرناکی از تروریست‌ها در منطقه خاورمیانه

هموار شود؛ یک نوع افغانستان دیگر آن هم در نزدیکی دریای مدیترانه.

به موازات آن، عربستان سعودی و متحدان سنی این کشور نگران‌اند که ایران در پی ایجاد یک «هلال شیعی» از ایران تا عراق و سوریه و لبنان است. به همین دلیل عربستان و متحدانش ترجیح می‌دهند که از دست دولت شیعه مالکی خلاص شوند؛ اگر چه آنان به دلیل ارتباطات داعش با شبکه ترور القاعده به این جریان نیز نگاهی انتقادی دارند.

جمال خشوچی، رییس یک فرستنده تلویزیونی سعودی می‌گوید: در دولت سعودی احتمالاً این نظر غالب است که گاهی یک عمل خوب توسط افراد نادرست انجام می‌شود.

«راهی به سوی فاجعه»

با این همه، اگر چه اسلام‌گرایان ظاهراً شهری میلیونی مانند موصل را به آسانی تسخیر کردند، ولی به گفته تابی دودج، تحلیلگر دانشکده اقتصاد لندن و رئیس انستیتوی پژوهش‌های خاورمیانه، چنین چیزی در بغداد نامحتمل خواهد بود.

به باور این تحلیلگر، آنان بدین‌منظور نیروی کافی در اختیار ندارند و با گروهی چند هزار نفری نمی‌توان شهری مانند بغداد را تصرف کرد. آنان هم‌اکنون هم در ارزیابی نیروهای خود دچار اشتباه شده‌اند. افزون بر آن، شهر بغداد تحت کنترل نیروهای ویژه مالکی است که از طرف میلشایی شیعه آموزش دیده، پشتیبانی می‌شود.

شبکه خبری دویچه‌وله

دودج همزمان هشدار می‌دهد که ولی اگر نوری مالکی بخواهد این نیروی رزمی را بسیج کند، با آتش بازی کرده است و «این راه به فاجعه منتهی خواهد شد» چرا که می‌تواند به جنگی تمام عیار میان گروه‌های قومی تبدیل شود، جنگی که داعش نیز خواستار آن است.

نوری مالکی با وارد کردن میلشایی شیعه به صحنه نبرد هم قادر نخواهد شد نیروهای داعش را از موصل بیرون کند یا کل مناطق شمالی را تحت کنترل خود درآورد. هر چه باشد در شمال کردها نیز از خلاء قدرت استفاده کرده و شهر نفتخیز کرکوک را که از مدت‌ها پیش نسبت به آن ادعا داشتند تحت کنترل خود درآورده‌اند.

فواز جرجس نیز بر این باور است که زخم‌ها در عراق هرگز التیام نیافتند. این کشور آسیب‌دیده بر سر یک دوراهی قرار گرفته است و خطر فروپاشی و تبدیل به سه یا چهار کشور آن را تهدید می‌کند. عراق برای آشتی ملی نیازمند یک رهبری جدید و یک رویکرد روحی تازه است، ولی این کشور فاقد هر دو آنهاست.

جرجس که در زمان خود از حمله نظامی آمریکا به عراق نیز انتقاد کرده بود، در گفت‌وگویی با خبرگزاری آلمان، دولت نوری مالکی را مسئول وضعیت کنونی معرفی می‌کند. وی یادآور می‌شود: درست است که آمریکایی‌ها درهای جهنم را در عراق گشودند، ولی عراقی‌ها نیز تصمیمات نادرستی گرفتند. برای نمونه دولت نوری مالکی کمک‌های بیشتر نیروهای نظامی آمریکا را رد کرد و آنان را وادار به خروج از عراق کرد.

ورود ناو امریکایی با ۵۵۰ تفنگدار دریایی به خلیج فارس



شبکه خبری سی.ان.ان از ورود یک کشتی جنگی امریکایی به همراه بیش از ۵۰۰ تفنگدار دریایی به خلیج فارس برای مشارکت احتمالی در درگیری‌های عراق خبر داد.

اعزام این کشتی جنگی امریکایی احتمالاً در واکنش به تحولات اخیر در عراق و تسلط شبه‌نظامیان افراطی بر بخش‌هایی از شمال و غرب این کشور رخ داده است و قرار است این کشتی جنگی به ناو هوایماب «جورج هربرت واکر بوش» بپیوندد.

امریکا پیشتر ناو هوایماب «جورج هربرت واکر بوش» خود را به همراه ده‌ها هوایماب راهی خلیج فارس کرده بود تا در صورت نیاز در عملیات علیه شبه‌نظامیان مخالف دولت عراق شرکت کند.

بنا به گزارش سی.ان.ان، کشتی «یواس اس مسا ورده»، حامل ۵۵۰ تفنگدار دریایی آمریکا با تجهیزات و ادوات نظامی کامل است.

به دنبال ناآرامی‌های عراق، پیشتر وزیر دفاع آمریکا دستور داده بود تا ناو هوایماب «جورج هربرت واکر بوش» به سمت خلیج فارس حرکت کند تا در صورت اقدام نظامی آمریکا در عراق در حالت آماده باش باشد.

ناو هوایماب «جورج هربرت واکر بوش»، (جورج بوش پدر) یک ناو کلاس نیمیتز است که بزرگ‌ترین کشتی‌های جنگی جهان محسوب می‌شوند. این ناو دو راکتور هسته‌ای دارد و می‌تواند حدود ۶۰۰۰ خدمه را حمل کند. این ناو از سمت دریای عرب به سمت خلیج فارس در حرکت است و توسط یک رزم‌ناو مسلح به موشک‌های هدایت شونده و یک ناوشکن مسلح به موشک همراهی می‌شود. رزم‌ناو و ناوشکن اعزامی به سمت خلیج فارس،

اعلام جنگ طالبان به پاکستان

طالبان پاکستان روز دوشنبه به شرکت‌های خارجی هشدار داد تا این کشور را ترک کنند و متعهد شد در واکنش به حمله ارتش به یکی از مناطق قبیله‌یی، علیه دولت دست به حملات تلافی جویانه برند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، این بیانیه همزمان با آن منتشر شد که برای جلوگیری از واکنش طالبان و تقویت نیروهای دولتی، هزار سرباز و شبه نظامی در تعدادی از شهرهای مهم پاکستان مستقر شده و تمامی بیمارستان‌ها برای پذیرش تلفات به حالت آماده باش در آمده‌اند.

حمله به وزیرستان شمالی، مخفیگاه اصلی شبه نظامیان طالبان و القاعده یک هفته پس از حمله این شبه نظامیان به فرودگاه کراچی صورت گرفت.

شهیدالله شهید، سخنگوی شبه نظامیان طالبان در بیانیه‌ی گفت: ما به تمامی سرمایه‌گذاران و شرکت‌های هوایمابی خارجی و شرکت‌های چند ملیتی هشدار می‌دهیم تا فوراً همکاری‌های خود با دولت پاکستان را به حالت تعلیق درآورده و آماده خروج از پاکستان شوند، در غیر این صورت آن‌ها مسئول تلفاتشان خواهند بود. وی افزود: کاملاً مشخص است که دولت اسلام آباد از طریق فعالیت‌های خارجیان پیشرفت کرده و تجارت‌های شما را بمب می‌کند و بر سر زنان و کودکان بی‌گناه قبیله‌یی پرتاب می‌کند.

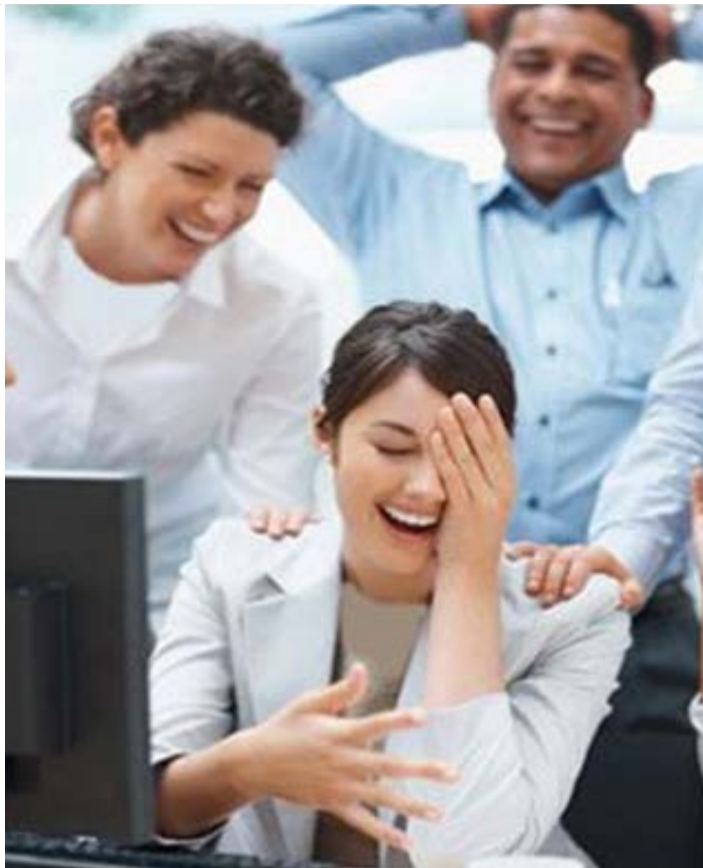
طالبان متعهد شده تا از دولت انتقام بگیرند. در ادامه این بیانیه آمده است: ما دولت نواز شریف، نخست وزیر پاکستان را مسوول جان و اموال از دست رفته مسلمانان قبیله‌یی می‌دانیم. ما متعهد می‌شویم که دست به اقدامی تلافی جویانه بزنیم. طالبان کاخ‌های شما در اسلام آباد و لاهور را به آتش خواهد کشید.

شهید الله شهید افزود: به یاد داشته باشید که شما یک بار دیگر نیز برای مذاکره و صلح التماس خواهید کرد اما آن زمان دیگر دیر است.

سخنگوی پولیس اسلام آباد گفت: تدابیر امنیتی پایتخت در حال حاضر تقویت شده است حدود ۳۰۰۰ مأمور پولیس در اسلام آباد مستقر شده‌اند و گشت‌زنی‌ها تشدید یافته است.

بخش سوم

خشم خود را خفه کنید!



حل مسایل

گاهی خشم و حس ناکارآمدی در نتیجه مشکلات جدی در زندگی پدیدار می‌شوند. خشم می‌تواند یک واکنش طبیعی و سالم یک فرد در برابر مشکلات باشد. فرهنگ و باور برخی از مردم بر این اصل استوار است که هر درد، درمانی دارد و هر مشکل، راهکاری. اما همین افراد در مواجهه با سختی و نیافتن راه حل، دچار سرخورده‌گی و ناامیدی می‌شوند. اما اگر نتوانستید راهکاری برای مشکلات خود بیابید، روی مدیریت مشکل و مواجه شدن با آن تمرکز کنید. مشکل خود را بشناسید و لمسش کنید، شاید بتوانید از درون خود مشکل راهی برای حل آن پیدا کنید.

شوخ‌طبعی و خنده‌دار دیدن مسایل

شوخ‌طبعی تا حد زیادی غضب و جنون را کاهش می‌دهد. به طور مثال، با شوخ‌طبعی و خنده‌دار دیدن مسایل می‌توانید دید متعادل و خوبی به اطراف داشته باشید. به طور مثال، اگر از دست همکار خود عصبانی بودید، او را به چشم یک تک‌سلولی ببینید. مثلاً تصور کنید یک آمیب روی چوکی نشسته است و با تلفون صحبت می‌کند. یا مثلاً می‌توانید تصویری از او را بکشید. این کار باعث می‌شود تا خشم و جنون شما کاهش یابد و به جای عصبانیت، بخندید.

این طرز فکر حتا در مواقعی که دلیلی برای خشم خود نمی‌یابید نیز بسیار کمک‌کننده است. هر بار که به مسایل آزاردهنده فکر و تصور می‌کنید حق شما نیست این سختی‌ها را تحمل کنید و دوباره خشم غیر قابل کنترل به سراغتان آمد، خود را در قالب یک الهه یا موجودی تصور کنید که قدرت زیادی هم‌چون خدا دارد و این موجود می‌تواند همه مشکلات را از شما دور کند. هر چاشنی و جزئیاتی که دوست دارید، به این تخیل اضافه کنید. در ذهن، خود را نیروی برتر تجسم و مشکلاتتان را به هزاران کیلومتر دورتر پرتاب کنید.

البته باید به این باور برسید که بسیاری از خشم‌های ما برای مسایل بی‌اهمیت و کم‌ارزش هستند و واقعا ارزش هدر دادن زمان را ندارند. البته در خنده‌دار دیدن مسایل، باید جانب احتیاط را نیز رعایت کنید. اول این‌که به هیچ وجه به مشکلات خود «نخندید». در عوض با خنده‌دار دیدن آن‌ها سعی کنید به روشی معقول و کارساز، آن‌ها را برطرف کنید. دوم این‌که به هیچ عنوان از شوخ‌طبعی کنایه‌آمیز یا زمخت و زننده برای پیشبرد کارهای خود استفاده نکنید. این نوع شوخ‌طبعی نیز نوع دیگری از پرخاشگری و خشونت است.

ارتباطات بهتر

افراد خشمگین و عصبانی از همان ابتدا به سراغ انتهای هر کاری می‌روند و این به هیچ وجه قابل درک و عقلانی نیست. اگر خیلی با هیجان بحث می‌کنید، بهتر است کمی آرام بگیرید. خوب و بادقت گوش کنید و ببینید اصلاً طرف مقابل چه می‌گوید و پیش از پاسخ نیز به خود کمی زمان برای فکر کردن بدهید.

به دلیل عصبانیت خود فکر کنید. همه انسان‌ها برای آزادی خود ارزش قابل هستند و اگر طرف مقابل خواست شما را محدود کند و این موجب خشم شما می‌شود، با او مقابله به مثل و او را زندانبان خود فرض نکنید.

بخش دوم و پایانی

تحولات علوم، اندیشه‌ها و اقتصاد از جهانی جادویی تا توفان خلقت

رونه پسه

برگردان: شروین احمدی

زمان دیگر آن مدتی نیست که وقایع در آن طی می‌شوند و یا گاه به گاه در آن انتقال می‌یابند. گذشته، حال و آینده باهم درمی‌آمیزند. یک دلال بورسی در یک روز، اوراق بهاداری را برای تاریخی در آینده، با پولی که هنوز ندارد، می‌خرد بدون آن‌که در نظر داشته باشد آن‌ها را عیناً در اختیار گیرد و آن‌هم از فروشنده‌یی که به نوبه خود به هیچ‌وجه بر آن نیست که این اوراق را برای وی ارسال کند. در نهایت، همه این‌ها با پرداخت اختلاف‌بهای اوراق به کسی

طبیعت زیادی استثمار شده را، آن‌چنان که کلاسیک‌ها پیشنهاد می‌کردند، از نظر مالکیت «آزاد» انگاشت. یعنی دیگر نمی‌توان آن را مرحمتی الهی و خارج از حوزه محاسبه اقتصادی در نظر گرفت. مسأله بازتولید آن حضور خود را در حوزه اقتصادی تحمیل کرده است. و از سوی دیگر، تولید کنونی ثروت در جهان اجازه می‌دهد که به نیازهای اولیه بر روی کره خاکی پاسخ داد. از این لحظه به بعد، مسأله اولویت‌دارتر در اقتصاد، پخش کردن ثروت است و در بعضی موارد، مدیریت فراوانی بیش از حد محصولات.

حیات بر روی کره خاکی ممکن نیست. این‌گونه تعبیرات ضروری اصول مدیریتی هم اقتصادهای ملی را دربرمی‌گیرد و هم روابط بین‌المللی را.

به سوی گرایشی بیالوژیکی

در چهارچوب یک ملت نیز گزارش نهایی در مورد «اصول سنجش کارایی اقتصادی و پیشرفت اجتماعی» که توسط پروفیسورها جوزف استیگلیتز، آمارتیاسن و ژان پل فیتوسی تهیه شده، یک سلسله از توصیه‌ها را برای به‌وجود آوردن مجموعه از ابزارهای سنجش ارابه می‌دهد که به واقعیت زنده‌گی خانواده‌ها نزدیک‌اند و درآمد، مصرف (و نه تولید)، دارایی‌ها، تقسیم ثروت (و در نتیجه نابرابری‌ها) را به حساب می‌آورند؛ این ابزارهای سنجش حوزه فعالیت‌های غیرکالایی و از جمله خدمات بین خانواده‌ها را نیز در بر می‌گیرد. تمام این ابزارهای سنجش در جهت مخالف ابزارهای اقتصاد نئولیبرالی قرار دارند.

در مورد روابط بین‌المللی نیز، کارایی ابزاری که بر مبنای دیدگاهی منحصرراً رقابتی توصیه می‌شود، بر بستر منطق سوددهی و بدون در نظر گرفتن عوارض انسانی، آن‌چه کمتر بازدهی دارد را حذف و با هر چیزی که بازدهی بیشتری داشته باشد، جایگزین می‌کند. این چنین است که در کشورهای جنوب کشاورزی بی با جهت‌گیری تجاری، کشاورزی برای ارتزاق را نابود ساخته و بخش بزرگی از مردم جهان را به سوی فاجعه می‌راند. تمام اصول اساسی تجارت بین‌المللی بر این اساس تدوین شده‌اند: اصل کامله الوداد (۶)، تعمیم حمایت از شرکت‌های داخلی به تراست‌های بین‌المللی، ویژه‌سازی بر اساس مزیت‌های نسبی (۷) «طبیعی»، گردش آزادانه کالا و به‌خصوص سرمایه. در مقابله با چنین اصولی، گرایشی بر مبنای عقلانیتی که هدف غایی را در نظر می‌گیرد، به حقوق ملت‌های ناکام برای دفاع از خویش بها می‌دهد که برای دستیابی به امتیازات مشابه (که نه از منابع طبیعی بلکه از سرمایه‌گذاری حاصل می‌شوند) حق دارند به سازمان‌دهی خویش در جماعات چندملیتی پردازند (۸) تا از توانایی کامل کردن یک‌دیگر بهره برند و بتوانند به نیازهای اولیه‌شان از طریق یک‌دیگر پاسخ گویند و بدین ترتیب در مقابل رقابت ملت‌های پیش‌رفته مقاومت کنند و غیره.

در مورد طبیعت نیز، ابزارهای سنجش فیزیکی باید استانداردهای محیط زیستی‌یی را با دقت تعریف کنند که تمام سیاست‌های اقتصادی ملزم به رعایت آن‌ها باشند. این گرایش بیولوژیکی اصول سازماندهی‌یی را به پیش می‌برد که سیستم‌های سیاسی و اقتصادی مصلحت‌شان در الهام گرفتن از آن است. در تمام این حوزه‌ها، هم‌بسته‌گی جایگزین رقابت می‌شود؛ باید مجدداً تأکید کرد که این الزام عقلانیتی فقط از احساسات نیکو ناشی نمی‌شود.

در جایی که هرگونه نگرش اجتماعی - و سیاسی‌یی - وابسته به داوری قدرت‌های مسلط اقتصاد جهانی است، لازمه چنین چرخشی آن است که از توان مالی آن‌ها که با سیاست‌های نئولیبرال افزونی گرفته، کاسته شود. این بر مسوولین سیاسی است که نشان دهند که آیا حاضر به رودررویی با آن‌ها هستند و یا ترجیح می‌دهند که به خدمت‌گزاری‌شان ادامه دهند.



دیروز (مانند امروز در بعضی از کشورهای بسیار فقیرتر) تولید محصولات غذایی در شرایط قحطی‌های مزمن در عین حال موجب تولید «راحتی بیشتر» می‌شد. اما آیا می‌توان همین مطلب را در مورد موثر گفت که تمرکز آن در بعضی نقاط جهان به حدی رسیده که حتا رفت‌وآمد را مختل کرده است، آن‌هم در شرایطی که در دیگر نقاط مردم گرفتار نیازهای اولیه‌اند؟ در نتیجه، هرگونه افزایش تولیدی بلافاصله این پرسش را مطرح می‌کند که برای چه؟ یعنی با چه هدف‌هایی و چه فلسفه اخلاقی (اتیک) و چه ارزش‌هایی.

این «گذار به محدودیت‌ها» نوعی تغییر عقلانیت اقتصادی را به همراه دارد. دیروز بازدهی کمی، عامل اصلی راحتی بیشتر به حساب می‌آمد و موثر بودن ابزار تولیدی امکان آن را فراهم می‌آورد. زین پس عقلانیت، بر بستر عوارض و عواقب انسانی است که خود را نشان می‌دهد. دیروز «ابزاری» شده به «سرانجام» خود رسیده است و دیگر نمی‌توان چشم بر آن فرو بست.

این جابه‌جایی حوزه عقلانیت، که ضرورتاً فقط بار تیوریک ندارد، باعث زیر و رو شدن کامل معیارهای انتخاب و مدیریت اقتصادی می‌شود. فرد که هم‌چون متغیر تعدیلی برای کارایی اقتصادی در نظر گرفته می‌شد، جایگاه واقعی خود به مثابه هدف غایی سیستم را باز می‌یابد؛ بنیان مقررات تبادلات بین‌المللی وارونه می‌شود؛ طبیعت که منبعی برای استثمار و غارت به حساب می‌آمد، اهمیت اساسی‌یی را باز می‌یابد که بدون حفاظت از آن هیچ‌گونه شکلی از

پایان می‌یابد که توانسته به‌درستی تحولات بازار سرمایه را پیش‌بینی کند و این در واقع جایزه اوست.

در واقع برخلاف دارایی‌های مادی که نمی‌توان آن‌ها را بدون در اختیار داشتن‌شان انتقال داد، معامله اموال غیرمادی بسیار راحت است: اطلاعات بین افراد به‌راحتی دست به دست می‌شود بدون آن‌که از صاحب اولیه‌اش سلب مالکیت شود.

در سیستمی با وابسته‌گی‌های متقابل، تولیدکننده‌گان دیگر نه فعالان منفرد، بلکه زیرسیستم‌هایی هستند که از همه‌سو به‌هم تنیده شده‌اند. در این چارچوب مفهوم بازدهی یک عنصر (کاری یا سرمایه) به تنهایی معنی ندارد. تولید مجموعه با اضافه کردن یک واحد کاری و یا سرمایه به سیستم تولیدی افزایش نمی‌یابد، بلکه با سریع‌تر کردن ریتم همه مجموعه و با هزینه‌یی عملاً ناچیز است که ممکن می‌شود. آن‌چه در تولید یک سیدی هزینه‌بر است، نرم‌افزار می‌باشد؛ باقی هزینه تقریباً معادل قیمت بی‌اهمیت مواد اولیه به کار برده‌شده در آن است. در نتیجه، تولید با هزینه‌یی رو به کاهش انجام می‌پذیرد، یعنی با بازدهی‌یی رو به رشد. در شرایط اضافه‌تولید، هرچند این امر به دلیل رقابت موجب کاهش قیمت‌ها از طریق افزایش تولید می‌شود، اما به همین دلیل وضعیت منتج از اضافه‌تولید را وخیم‌تر می‌کند. در این جاست که بازار تبدیل به عامل تشدیدکننده عدم تعادل‌ها می‌شود.

ما در واقع به مرزهای نهایی اقتصاد مادی رسیده‌ایم. دوران «جهان منتهای» آغاز شده است. از یک‌سو دیگر نمی‌توان

زهره روحی

بی‌تردید تمامی مباحثی که دربارهٔ انواع سلطه صورت می‌گیرد، نه برای تحسین آن‌ها، بل در جهت نفی و آشکار کردن شرارت‌های پنهانی آن‌هاست. اما هنگامی که بحث سلطهٔ «مردانه» به میان می‌آید و جنسیت شخص آشکارکننده، نه زن بل از نوع دست اولش یعنی مرد باشد، در چنین حالتی به اعتقاد شما تا چه حد می‌توان به این گفت‌وگوی انتقادی اعتماد داشت؟

پیر بوردیو در مقام دانشمند علوم انسانی، در گفت‌وگویی که کاترین پورتون با او انجام داده (۲۲ جنوری ۱۹۹۸)، به افشای رابطهٔ خاص و پرآوازهٔ «سلطهٔ مردانه» می‌پردازد. رابطه‌یی که به گفتهٔ او با این‌که مبتنی بر شیوهٔ اندیشهٔ قبیله‌یی ست، در نحوهٔ ارتباط‌گیری افراد تمدن جوامع غربی (فرانسه) نیز حضور دارد. (ص ۱۲۰)

اما قبل از آن‌که سراغ بحث سلطهٔ مردانه و نظریات جالب بوردیو در این‌باره برویم، به‌جاست به مطلبی اشاره کنیم که طرح آن برای ذهنیت بوردیویی، احتمالاً خالی از لطف نیست. و این پرسش را پیش کشیم که چه عاملی می‌تواند شخصی چون بوردیو را با وجود جنسیت مردانه‌یی که دارد، از «اقتدار سلطهٔ مردانه» اش به زیرکشد و حتا علیه آن بشوراند؟ آن‌هم سلطه و اقتداری که نه تنها قدمتی بسیار کهن و دیرینه دارد، بلکه به گفتهٔ وی هنوز هم در شیوهٔ اندیشه و زنده‌گی انسان قرن بیست‌ویکم فرانسوی خود را نشان می‌دهد: «در میان قبیله‌ها ... در چیدن زیتون، مردان با داس بزرگی از راه می‌رسند که طبعاً نمادی از قدرت مذکر است، اما این نماد صرفاً برای قطع کردن شاخه‌ها به کار می‌رود که خود عملی کوتاه و سریع است، کاری که ده دقیقه بیشتر طول نمی‌کشد. ولی این زنان و کودکان هستند که زیتون‌ها را در طول روزهای مدیدی زیر تابش گرم نور خورشید می‌کنند. [...] من این عمل را در تمام تقابلهایی که در تقسیم میان دو جنس انجام می‌گیرد، می‌بینم: ریسی که تصمیم می‌گیرد و منشی‌یی که تصمیم را اجرا می‌کند [...] در جوامع ما، حتا در فضای خانه‌گی، از مردان خواسته می‌شود که تصمیمات بزرگ را بگیرند، اما این تصمیمات را زنان آماده‌سازی کرده‌اند». (صص ۱۲۱-۱۲۲)

چنان‌که دیده می‌شود، شورش بوردیو علیه «سلطهٔ مردانه» اش (نرینه‌گی؟) کاملاً جدی است. هرچند که شاید «جدیت»، در این‌جا کلمهٔ چندان مناسبی برای مخدوش‌سازی «موقعیت»‌ها نباشد. کاری که به نظر می‌رسد بوردیو دارد انجام می‌دهد. به عنوان مثال، در وهلهٔ اول اصلاً با این پرسش روبه‌رو می‌شویم که آیا بوردیو می‌تواند عمل ده دقیقه‌یی قطع شاخه‌های درختان زیتون توسط مردان قبایل (با داس‌های بزرگی که - به تفسیر بوردیو - نمادی از قدرت نرینه‌گی آن‌هاست) را با فرمان «ریس» به منشی‌اش یکی بدانیم؟ هرچند که به دلیل بسیاری از ملاحظات، کاری هم به چستی «نماد قدرت مذکر» برای رئیس قرن بیست‌ویکمی نداریم! وانگهی اصلاً چه دلیلی دارد که بوردیو تصویری از «ریس» با جنسیت مذکر در ذهن داشته باشد؟

واقعیت این است که اگر بوردیو صرفاً صحبت از رفتار و نگرش مردسالارانه می‌کرد، می‌شد کاملاً حق را به او داد و ما نیز با حسن نیت، مثالی به مثال‌هایش اضافه می‌کردیم. مثلاً از معیارها و ارزش‌های مردسالارانه‌یی یاد می‌کردیم که بسیاری از زنان، علی‌رغم سرکوبی که از سوی آن می‌شوند، خود و ارزش‌های خود را با آن تفسیر می‌کنند و عیناً همان‌ها را به «دختران»‌شان انتقال می‌دهند و در قلمرو خصوصی و یا عرصهٔ عمومی همان نقش‌ها را از آنان طلب می‌کنند. اما مسألهٔ بوردیو (حداقل در حال حاضر) نقدی از این دست نیست. بلکه انتقاد او ظاهراً متوجه نقشی‌ست که گویا برحسب جنسیت، بر عهدهٔ مردان گذاشته شده است. از این‌رو مایل است از تقسیم وظایف (؟) «جنسیتی» صحبت کند که به ظاهر در جوامع مدرن و جدید، دیگر نباید وجود داشته باشد، ولی به گفتهٔ او عملاً هنوز از حیات برخوردار است، آن‌هم با همان شیوهٔ اندیشهٔ قبایلی. اما به دلیل خصوصی شدن مسایل جنسی (سکس؟)، گفت‌وگو دربارهٔ آن تنها می‌تواند از راه میان‌بُر آیین‌های قبایلی انجام گیرد: «مسألهٔ رابطهٔ ما با جنس‌ها برای‌مان آن‌قدر جنبهٔ خصوصی دارد که نمی‌توانیم آن را بدون نوعی میان‌بُرزندی بازتابنده به سوی خودمان تحلیل کنیم. یک زن یا یک مرد، به جز آن‌که قابلیت‌هایی استثنایی داشته باشد، به‌سختی می‌تواند به آگاهی نسبت به زنانه‌گی یا مردانه‌گی خود دست یابد و دلیل این امر دقیقاً در آن است که این موقعیت‌ها با وجود خود آن‌ها هم جوهر است». (صص ۱۱۹-۱۲۰)

باری، آن‌چه باعث می‌شود نسبت به تعمیم موقعیت جنسی قبیله‌یی به روابط سلسله‌مراتبی ریسی و منشی واکنش نشان دهیم، تقلیل ساختار بوروکراتیک مدرنیته به رابطهٔ سروری مردان نسبت به زنان در جوامع قبیله‌یی است. واقعیت این است که در جوامع مدرن به طور عینی و اجتناب‌ناپذیر دایما با مقوله‌یی به نام «تخصص» سر و کار داریم. تخصصی که چه خوش‌مان بیاید و چه از اقتدارش در جامعه اکراه داشته باشیم، یکی از ملزومات بسیار مهم جوامع مدرن است. با توجه به چنین واقعیت جامعه‌شناختی، تصور می‌کنم رابطهٔ مدیر - منشی در جوامع رشدیافتهٔ غربی، برخلاف مثال بوردیو به‌هیچ‌وجه رابطه‌یی تقابلی نباشد. بلکه برخلاف نتیجه‌گیری‌های مبتنی بر سلطه‌گری - جنسیتی بوردیو، رابطه‌یی مبتنی بر مشارکت و همیاری است. کار هر یک در امتداد کار دیگری نهفته است. و یا حلقه‌هایی که از درون کار دیگری جریان می‌یابد. همان‌طور که فرضاً ساختار

مدرن یک کارخانه عمل می‌کند: مجموعه حلقه‌هایی از ریز و درشت که از طریق کارکرد درست و دقیق دیگری عمل می‌کنند. هر جزئی متکی بر جزء دیگر است. حال این جزء مدیر باشد و یا منشی، فرقی نمی‌کند. مهم درجهٔ اهمیت تمامی اجزاء به عنوان یک مجموعه است. از این‌رو ناگزیر خواهیم شد به این مطلب اعتراف کنیم که این از استثنائات است که «منشی‌یی، توانا به انجام وظایفی باشد که یک «مدیر» برای انجام آن وظایف، سال‌ها درس و تحصیل و تجربه اندوخته است. صرف‌نظر از این‌که گمان نمی‌رود مدیران (در صورت مرد بودن و یا با حفظ نقش قدمت‌یافتهٔ نرینه‌گی) پس از ده دقیقه فرمان دادن، (هم‌چون مردان قبایل پس از ده دقیقه قطع کردن شاخه‌های زیتون)، قادر باشند کار روزانه‌شان را به اتمام برسانند و مشغول استراحت گردند. زیرا تا آن‌جا که می‌دانیم، مدیران در جوامع کاملاً تخصصی‌شدهٔ امروز، اکثراً خود هم کارگران ذهنی‌یی هستند که شاید به اندازهٔ کارگران یدی با انواع و اقسام دلهره‌های عدم امنیت اجتماعی (نامنی‌های شغلی، و...) مواجه‌اند. اما

منزلی، باعث رانده شدن بسیاری از مردان به سمت جایگاه اجتماعی کار و موقعیت اجتماعی «زنانه» (در معنای ضعیفه: اندرونی‌شده: نداشت شأن اجتماعی برای رؤیت‌پذیری) شد، گروه اجتماعی جدیدی از مردان شکل گرفت که علی‌رغم نرینه بودن‌شان، مشکلات و موقعیت اجتماعی نسبتاً مشترکی با زنان پیدا کردند. و ظاهراً همین امر، این گروه اجتماعی جدیدالشکل «جنسیتی - منزلی» (جنسیت مذکر و نرینه، اما فاقد قدرت و سلطه‌گری مردانه در دست‌یابی به منابع) را به زنان نزدیک ساخت. به لحاظ ساختارهای قدرت در جوامع طبقاتی، شاید بتوان گفت، این گروه اخیر از مردان، صرفاً به دلیل رانده شدن به حاشیهٔ قلمروی عمومی و محرومیت از قلمرو قدرت و منابع است که حاضرند در کنار زنان قرار گیرند. و مهم‌ترین سند این ادعا، ادامهٔ روند سرکوب زنان خود (همسر و دختران، مادر و احتمالاً خواهران خود در آیام جوانی) است. به هر حال در حاشیه قرار گرفتن این مردان محروم‌شده از قدرت و منابع در قلمرو عمومی، آنان را وادار می‌کند تا با حفظ نگرش مردسالاری خود، به

بوردیو و سلطهٔ مردانه



فضایی پرتاب شوند که پیشتر از سوی زنان اشغال شده بود. و از این‌رو به لحاظ موقعیت‌های «محرومانده‌گی» زنان آن را رهبری می‌کردند. چرا که در طول تاریخ، از زمان ظهور «سلطهٔ مردانه»، زنان همواره عمده‌ترین گروهی بوده‌اند که «موقعیت محرومیت» از منابع (ثروت و قدرت) را چه آشکارا، از راه مبارزات علنی؛ و چه نهان (که قدمتی بسیار دیرینه هم دارد)، از راه دسیسه و نیرنگ‌های پشت پرده، نماینده‌گی کرده‌اند.

ظاهراً با انقلاب صنعتی و رشد جوامع بورژوازی، در قالب روابط تحمیل‌شدهٔ طبقاتی، پیوند بین این دو گروه جنسیتی (که به مثابهٔ نیروی کار ارزان و ...، درک و فهمیده می‌شد)، خطوط اجتماعی مشخصی به خود گرفت، که در عین استحکام به استقلال و کسب هویت فردی زنان کمک کرد. اگر بخواهیم مسیر تحلیل را به شیوهٔ خود بوردیو ادامه دهیم، احتمالاً در همین‌جا می‌توان گفت، فرزندان این زنان و مردان (اعم از مذکر و مؤنث)، در نسل‌های بعد، با آگاهی از «سرمایهٔ اجتماعی» نهفته در میراث بزرگ و قدمت‌یافتهٔ «محرومیت‌های اجتماعی و سیاسی» طبقاتی خود، به این فکر افتادند تا با توجه به تفسیرهای مارکسی، از زنجیرهای اسارت‌شان قدرتی بسازند در برابر اسارت! و در همین اوضاع و احوال تاریخی است که جریانات اجتماعی جدیدی ظهور می‌کنند که مسلماً تا پیش از آن وجود نداشتند و بدین ترتیب، انواع و اقسام مکاتب فمینیستی و یا تفکراتی اجتماعی علیه «سلطهٔ مردانه» در عرصهٔ عمومی قد علم کردند و مناسبات اجتماعی جدیدی را به نام خود رقم زدند.

به بیانی، فرزندان محروم از قدرت و منابع، اینک با هیأت آبرومندانه و جدید «مطالبه‌جویان» و یا «سهم‌طلبان»، در قلمرو عمومی حضور یافتند و جهت تغییر شرایط اجتماعی خود و اثرگذاری در ساختارهای جامعه به نفع خود، نه تنها به طرح مطالباتی از نوع افزایش دستمزد، آموزش و بهداشت و ... پرداختند؛ بلکه مسایلی را به این عرصه آوردند و آزادی بیان را در حقلش به‌جا آوردند که تا آن‌زمان در فضای خفقان و مشکل‌آفرین روابط خصوصی تحت سلطهٔ ارتجاع مردسالاری کنترل و نظارت می‌شد. به هر حال، تنها پس از ورود گروه‌های اجتماعی محروم از قدرت و منابع، به قلمرو عمومی بود که مسایلی از قبیل سقط جنین، روابط جنسی و معضلات ناشی از آن، به قلمرو عمومی راه یافتند و گفت‌وگو دربارهٔ آن به امری عادی و ضروری تبدیل شد. تا جایی که امروزه در همان فرانسه به‌راحتی می‌توان دربارهٔ مشکلاتی هم‌چون ایدز و یا آموزش روابط جنسی در مدارس گفت‌وگو کرد. حال، آیا می‌توان علت حضور بوردیو در برابر «سلطهٔ مردانه» و پرسش از آن را

پیشاپیش او را در بحث انتقادی‌اش نسبت به «سلطهٔ مردانه» مشارکت داده است.

ضمن آن‌که از طریق نحوهٔ مشارکت بوردیو در بحث، دانستیم که مواضع انتقادی در برخی از سطوح می‌تواند تبدیل به کاوشی مردم‌شناختی در عرصهٔ فرهنگ شوند. همان کاری که بوردیو در برخی از آثار خود بدان اهتمام ورزید و با همین نحو، عملاً در مسایل روزمرهٔ عرصهٔ عمومی (جامعه) فرانسه و یا جامعهٔ جهانی مشارکت می‌کرد. و از قضا چنان‌که دیدیم، با همین قصد و نیت به استقبال نقد «سلطهٔ مردانه» و نیز تفسیر «مردانه‌گی» به مثابهٔ نوعی اشرافیت می‌رود و (علی‌رغم لغزش‌های ناشی از تعمیم دادن موقعیت‌ها)، تلاش می‌کند تا به بنیان‌های مشترک و واحدی برسد که به زعم خودش، بر هر دو شیوهٔ اندیشهٔ مدرن و قبیله‌یی سلطه دارد؛ آن‌چه مهم است، این مطلب است که نفس این عمل (صرف‌نظر از درست و یا غلط بودن نظریه‌اش) در حقیقت تلاشی‌ست در جهت کنار زدن پرده از ریشهٔ مشکلات؛ هرچند که بوردیو در نظر ندارد تا منبای مادی و عینی این نحوهٔ اندیشیدن را برملا سازد. و نتیجتاً در همان سطح فرهنگ (به اصطلاح خودش) بازتابنده باقی می‌ماند: «من در نخستین پژوهش‌هایم دربارهٔ مفهوم شرافت در نزد قبایلی‌ها به واژه‌یی برخورددم که همان «قابل» یا «قابلیت» است، یعنی توانا بودن. این واژه به قبله اشاره دارد یا به عبارت دیگر به شرق: از توانایی ایستادن رو در روی شرق، جایی که خورشید طلوع می‌کند و بدین ترتیب است که می‌بینیم تمام مذاهب روی به سوی شرق دارند. تمام اسطوره‌های ما از چنین تقابلهایی ریشه می‌گیرند که نمی‌توان آنها را صرفاً به ضرب یک اراده از میان برداشت. نه! من فقط می‌خواهم نشان دهم که ریشه‌های تقابل مردانه‌گی / زنانه‌گی تا چه حد عمیق هستند. این ریشه‌ها در تمام تقابلهایی قرار دارند که اخلاق ما (مرتفع/پست، راست/کج، و...) هم‌چنان که زیباشناسی ما (گرم/سرد، که برای رنگ‌ها به کار می‌برند - سخت/نرم و...) بر آن‌ها استوار است». (ص ۱۲۲)

شاید بتوان با تکیه بر کاوش‌های بوردیو از قدمت بسیار کهن اندیشهٔ کیهان‌شناختی «سلطهٔ مردانه» باخبر و احیاناً از وجود آن مطمئن شد. اما همان‌گونه که در بالا هم گفتیم، هنوز از بستر و خاستگاه عینی و مادی آن روابط اجتماعی که به این نحوهٔ اندیشیدن و عمل کردن متمرکز می‌شود (و در نتیجهٔ چنین سلطهٔ مردانه‌یی می‌سازد)، بی‌خبریم. به همین دلیل هم، کاری که بوردیو به انجام می‌رساند با تمامی اهمیتش، در عرصهٔ کاوشی فرهنگی - هنری و تلاشی زیباشناسانه باقی می‌ماند و قادر نمی‌شود خود را به سطوح مباحث جامعه‌شناسی علمی برساند.



دیدبان انتخابات افغانستان:

در برخی ولایت‌ها صندوق‌ها به نفع نامزد مشخصی پر شده است

دیدبان انتخابات افغانستان می‌گوید که در شماری از ولایت‌ها صندوق‌ها به نفع نامزد مشخصی به صورت غیرقانونی پر شده است.

جاندا اسپین غر، رییس دیدبان انتخابات افغانستان روز دوشنبه در نشست خبری در کابل، همچنان از کاندیداهای ریاست جمهوری کشور خواست که قبل از اعلام نتایج آرا از سوی کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان از پیشداری در مورد نتایج خودداری کنند. وی از کمیسیون‌های انتخاباتی نیز خواست تا در جریان بررسی شکایت‌های انتخاباتی، شمارش آرا و اعلام نتایج به اصل شفافیت و رعایت عدالت توجه کنند و زمینه را برای نظارت نمایندگان کاندیدها، ناظران و رسانه‌ها از تمامی مراحل انتخاباتی فراهم سازند.

این نهاد نظارتی، کمبود برگه‌های رای‌گیری، پرشدن صندوق‌ها به نفع کاندیدای مشخص در برخی نقاط، تأخیر در بازگشایی محلات رای‌گیری، مداخله برخی

مقامات دولتی و کمبود کارمندان زن در محلات رای‌گیری را از جمله مشکلات انتخابات ۲۴ جوزا برشمرد.

رییس دیدبان انتخابات افغانستان، به‌طور مشخص از ۲۱ مورد پرشدن صندوق به شکل غیر قانونی در ولایت‌هایی مانند پکتیا، بلخ، غزنی، لوگر، میدان وردگ، قندهار، جوزجان و پکتیکا خبر داد.

آقای اسپین غر افزود: «کمیسیون‌های انتخاباتی به حیث نهادهای ذیصلاح قانونی باید حین جمع‌آوری آرا از مراکز رای‌دهی، پروسه قرنطین صندوق‌ها، باز شماری آرا، اعلام نتایج ابتدایی و نهایی و همچنین بررسی شکایات و اعتراضات، اصل شفافیت را جداً در نظر گرفته و عدالت انتخاباتی را تأمین نمایند».

آقای اسپین غر تصریح کرد: یک سری بی‌نظمی در برخی از محلات رای‌دهی، به دلیل مداخله مقامات دولتی، ناظران و کمپاین‌کننده‌گان در روند رای‌دهی و عدم بی‌طرفی کارمندان کمیسیون مستقل انتخابات

نیز رخ داد.

وی اظهارداشت: در روز انتخابات تخلفاتی از قبیل پرشدن صندوق‌ها به‌طور غیرقانونی، رای‌دهی مردان به جای زنان، دوام کمپاین در حین رای‌دهی، مداخله مقامات دولتی در پروسه انتخابات و رای‌دهی زیر سن قانونی از جمله تخلفاتی است که از سوی دفتر دیده بان انتخابات افغانستان به ثبت رسیده است.

در ادامه این نهاد، نقش رسانه‌ها را در اصل شفافیت انتخابات موثر خوانده و از مطبوعات خواست که جهت تقویت مشروعیت پروسه انتخابات و پذیرش نتایج نهایی به فعالیت شان ادامه بدهند.

این در حالی است که انتخابات دور دوم ریاست جمهوری به تاریخ ۲۴ جوزا برگزار شد که با تدابیر شدید امنیتی با توجه به تهدیدات موجود در سراسر کشور سپری گردید.

مجلس، قانون جنجال‌برانگیز جلوگیری از پول‌شویی را تصویب کرد

سپس آقای ابراهیمی قانون جلوگیری از پول‌شویی که در ۸ فصل و ۷۰ ماده ترتیب شده را به رای‌گیری گذاشت که به جز یک نفر، متبقی همه نمایندگان به آن رای مثبت دادند. نصاب جلسه روز گذشته مجلس نماینده‌گان، ۱۴۰ نفر بود.

با این وجود، افغانستان شش روز دیگر فرصت دارد تا مراحل بعدی قانون جلوگیری از پول‌شویی را نافذ کند.

صندوق بین‌المللی پول، ۲۴ جون را آخرین مهلت برای نافذ شدن قانون جلوگیری از پول‌شویی تعیین کرده است. در غیر آن بانک‌های افغانستان شامل لیست سیاه این نهاد پولی جهانی خواهد شد.

مجلس نماینده‌گان، هم‌اکنون، قانون جلوگیری از پول‌شویی را برای طی مراحل بعدی اش به مجلس سنا خواهد فرستاد.



بر اساس این فقره، پول‌شویی‌هایی که در ۱۲ سال گذشته صورت گرفته نیز از احکام قانون جلوگیری از پول‌شویی مستثنی نمی‌شود.

عبدالرووف ابراهیمی ابتدا فقره اضافه شده را به رای‌گیری گذاشته که به استثنای ۴ کارت سرخ، مورد قبول اکثریت نماینده‌گان قرار گرفت.

نمایندگان مجلس، قانون جلوگیری از پول‌شویی را با اکثریت آرا تصویب کردند.

هفته گذشته، قانون جلوگیری از پول‌شویی و عواید ناشی از جرایم دو بار برای تصویب به صحن مجلس آمد؛ اما به دلیل عدم نصاب مجلس، تصویب نشد.

امیرخان یار رییس کمیسیون مالی و بودجه مجلس، گفت: طرح قانون جلوگیری از پول‌شویی به صورت اتفاقی در جلسه مشترک تأیید شده و هیچ کدام موارد اختلافی در مورد آن وجود ندارد.

آقای یار افزود: حکومت طرح این قانون را در ۸ فصل و ۴۰ ماده به مجلس پیشنهاد کرده بود؛ اما کمیسیون بودجه در مشورت با نهادهای مربوط داخلی و بین‌المللی پولی، ۲۰ ماده دیگر در آن افزوده است.

در جلسات گذشته، نماینده‌گان یک فقره در ماده ۴ این قانون اضافه کرد.

توانستیم انتخابات را در...

کرده گفت، زنان در شماری از مناطق به دلیل مشکلات امنیتی نتوانستند در انتخابات شرکت کنند. تائیس برمن اضافه کرد، تهدیدات علیه ناظرین ملی و بین‌المللی مانند دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری وجود داشت و حتا شماری از ناظرین در این دور

دیگر امر خیل قابل...

آقای امرخیل پشتیبانی می‌کند. داکتر عبدالله عبدالله یک‌شنبه شب با اشاره به توقیف دو موتر مملو از مواد انتخاباتی در نزدیکی کمیسیون انتخابات در روز برگزاری انتخابات توسط پولیس که بعداً ثابت گردید که این مواد را ضیال‌الحق امرخیل رییس دبیرخانه کمیسیون انتخابات به خاطر تقلب به نفع نامزد مشخصی انتقال می‌داد، گفت: «این نمایان‌گر دخالت مستقیم رییس دارالانشای کمیسیون انتخابات است و عملی که صورت گرفته بود، سوال برانگیز بود و در این زمینه پولیس مداخله کرده بود و بعداً گفته شد که یک سوء تفاهمی صورت گرفته است و ما مسأله را به این آسانی قبول کرده نمی‌توانیم».

داکتر عبدالله عبدالله هم‌چنان افزود: «چطور مسأله‌یی که به این ترتیب صورت گرفته است، یک سوء تفاهم باشد؛ چطور بدون محافظت صندوق‌های مواد انتخاباتی انتقال بیابد، به چه دلیل آیا شمار پولیس کافی نبود؟ بعداً گفته شد که وزیر صاحب داخله در جریان قرار داشته است و وزیر امور داخله افغانستان هم اعلام کردند که در جریان این مسأله نبوده اند».

آقای عبدالله عبدالله تأکید کرد، در پیوند به کارکردهای ضیال‌الحق امرخیل از این پیش نیز مشکلاتی و شواهد موجود بود و ما رییس جمهور افغانستان و رییس کمیسیون انتخابات را در جریان قرار داده بودیم تا به‌خاطر شفافیت انتخابات تصمیم بگیرند.

آقای عبدالله عبدالله تأکید کرد، اقدام نکردن در باره به تعلیق در آوردن کار ضیال‌الحق امرخیل نشان‌گر عدم تعهد مبنی بر شفافیت در پروسه انتخابات است.

رهبر تیم اصلاحات و همگرایی اما می‌گوید، به این تقاضای ما که به‌خاطر شفافیت و قانون‌مندشدن

کشته شدند. اما مبارزات انتخاباتی و برخوردشان در قبال انتخابات بسیار خوب و مثبت بود.

او همچنان اضافه کرد، در این روند بیش از پنجاه دیپلومات اتحادیه اروپا با ما همکاری کرده اند و کمیسیون انتخاباتی و نیروهای امنیتی هم نتوانستند وظایف‌شان را به خوبی و آن‌طور که لازم بود، انجام دهند.

انتخابات بود، رییس جمهور وقعی نگذاشت. داکتر عبدالله عبدالله نامزد پیش‌تاز انتخابات ریاست‌جمهوری با تأکید گفت: «ما خواستار به تعلیق در آوردن وظیفه رییس دارالانشای کمیسیون انتخابات هستیم؛ هیچ نوع اعتمادی در این راستا باقی نمانده است که ما به حرف و وعده کسی اعتماد کنیم».

این نامزد پیش‌تاز انتخابات ریاست‌جمهور بار دیگر از اشتراک مردم در روند انتخابات سپاسگزاری کرد و افزود، ما به حمایت مردم خود افتخار می‌کنیم و بار دیگر خواستار شفافیت در پروسه انتخابات هستیم. داکتر عبدالله عبدالله تأکید کرد، در انتخابات از هیچ کس نخواستیم از ما پشتیبانی کند و توکل ما به خداوند و به رأی مردم بود که مردم در دور اول و دوم انتخابات این را به اثبات رساندند.

این نامزد پیش‌تاز انتخابات ریاست‌جمهور با بیان این‌که هیچ مرجع بی‌طرفی وجود ندارد خاطر نشان کرد: «در هر عملی که صورت می‌گیرد ما باید حضور داشته باشیم؛ وقتی میلیون نفر از مردم افغانستان بالای ما اعتماد می‌کند؛ ما یک طرف عمده تصمیم‌گیرنده در این مملکت هستیم».

آقای عبدالله عبدالله تأکید کرد که تصمیم تیم اصلاحات و همگرایی در رابطه به ضیال‌الحق امرخیل رییس دبیر خانه کمیسیون انتخابات قابل تغییر نیست.

در عین حال، محمد یوسف نورستانی رییس کمیسیون انتخابات اتهام تقلب بالای رییس دبیرخانه این کمیسیون را بی‌بنیاد خوانده و اتهامات وارده بر امرخیل را از ریشه رد می‌کند.

آقای نورستانی هم‌چنان می‌گوید، برخورد پولیس با رییس دبیرخانه این کمیسیون در روز انتخابات یک سوء تفاهم بوده است.

ثبات سیاسی در افغانستان به...

وزیر دفاع ترکیه نیز دیدار خواهد کرد.

در همین راستا آندرس فوگ راسموسن، دبیرکل ناتو نیز اظهار کرد: از دیدارهای سازنده‌یی که صبح برگزار کردیم قدردانی می‌کنم. من همواره دوست دارم که به ترکیه سفر کنم چرا که این کشور برای ناتو از ۶۰ سال قبل کشور مهمی به شمار می‌آید. ما مذاکرات بسیاری برای مقدمه چینی نشست ناتو در ولز در سپتامبر آبی داشتیم.

وی گفت: ما نمی‌توانیم امنیت‌مان را به آسانی حفظ کنیم بلکه باید در این زمینه ائتلاف خود را پابرجا نگاه داریم.

دبیرکل ناتو همچنین اظهار کرد: ما در خصوص اوضاع منطقه نیز مذاکره کردیم و ناتو همچنان تجهیزات دفاعی را در جنوب ترکیه تحکیم می‌بخشیم. ما از نزدیک تحولات خطیر در عراق را با نگرانی بسیار دنبال می‌کنیم و حمله غیرقابل قبول به موصل را محکوم می‌کنیم و خواهان آزادی دیپلمات‌های ربوده شده (ترکیه) هستیم. این اقدامات قابل توجیه نیست مذاکرات با ترکیه به عنوان همپیمان ما برای تضمین سلامت ربوده شدگان ادامه خواهد داشت.

راسموسن هم‌چنین اظهار کرد: افغانستان پیشرفت‌های بسیاری را به دست آورده است. انتخابات ریاست‌جمهوری در این کشور برگزار شد که مردم از طریق آن پایبندی خود را به دموکراسی نشان دادند و نیروهای افغانی پایبندی خود را نسبت به برقراری امنیت در این انتخابات نشان دادند. من دوست دارم با رییس جمهور افغانستان دیداری داشته باشم. وی خاطر نشان کرد: هدف ناتو تضمین امنیت شهروندان و مقابله با چالش‌ها است و این امر امکانات منابع و شرکای مناسب را می‌طلبد و این مسأله در دستور کار نشست ولز قرار خواهد داشت.

راسموسن در پایان از داوود اوغلو و آنکارا به دلیل «حمایت گسترده‌شان از ناتو» قدردانی کرد.

پاکستان عامل گسترش...

در منطقه اعلام کرد.

سخنگوی وزارت خارجه گفت: سیاست استفاده ابزاری از تروریسم علیه دیگران با این هدف که خود از این پدیده خطرناک درامان باشد، سیاست اشتباه و خطرناکی است.

وی افزود: از آنجا که پاکستان زمینه حملات تروریستی را فراهم کرده است هم‌اکنون این کشور در معرض خطر حملات تروریستی قرار دارد.

مستغنی با بیان اینکه یادداشت رسمی دولت افغانستان در پاسخ به یادداشت رسمی پاکستان به سفارت آن کشور در کابل ارسال شده است گفت: براساس این یادداشت رسمی، از آنجا که افغانستان طی سال‌های متمادی

از حضور گروه‌های تروریستی و پناهگاه‌های امن آنها در منطقه آسیب فراوانی را متحمل شده است، این کشور همواره در مبارزه با تروریسم عملاً متعهد بوده و خواستار همکاری صادقانه پاکستان است.

سخنگوی وزارت خارجه افغانستان، تنها راه صلح و امنیت در منطقه را مبارزه مشترک و قاطع با پناهگاه‌ها و مراکز آموزشی تروریسم دانست و افزود: افغانستان به‌عنوان قربانی اصلی تروریسم در مبارزه با این معضل از هرگونه همکاری دریغ نمی‌کند.

وی دولت پاکستان را به کتمان کردن حقایق موجود متهم کرد و حملات اخیر راکتی به خاک افغانستان را نوعی تجاوز دانست و گفت: افغانستان توانایی دفع تجاوز و جلوگیری از آتش باری بر قلمروی خود را دارد و می‌تواند به آن پاسخ مقتضی دهد اما سیاست مبارزه مشترک با تروریسم به سود هر دو کشور است.

افزایش ۳۰ درصدی خشونت‌های...

وخامت اوضاع اقتصادی مردم و نگرانی از وضعیت امنیتی است.

به گفته ی وی، اضطراب و استرسی که در جامعه وجود دارد؛ می‌تواند آمار واقعات جنایی را در هرات افزایش دهد. او در کنار این از عملکرد به موقع نیروهای امنیتی در این گونه قضایا به خوبی یاد کرده و این روند را تأثیر گذار در کاهش رویدادهای خشونت آمیز می‌داند.

ولایت هرات طی سه سال گذشته بدترین وضعیت اقتصادی را به خود دیده است.

گفته می‌شود که در صورت بی‌توجهی مقامات مرکزی نسبت به روند نادرست اقتصادی هرات، این ولایت در آینده نا به سامانی‌های زیادی را تجربه خواهد کرد.

احمد ظاهر و شوخ طبعی

یما ناشر یکمنش- بی بی سی



احمد ظاهر را فقط یک بار دیده بودم. نمی‌دانم کدام سال بود که برای اجرای کنسرت به ولایت قندوز آمده بود. در یگانه تیاتر شهر تمام ردیف اول را اعضای خانواده ما گرفته بودند؛ چون چوکی‌ها (صندلی‌ها) پر شده بود، برای او سه نفر ما که هنوز پشت لب، سیاه نکرده بودیم، چوکی‌های اضافه گذاشته بودند.

یادم است وقتی پرده باز شد، بدون هیچ مقدمه‌ای شروع کرد به خواندن. تمام آهنگ‌هایش آشنا بود. کاست‌های او به قندوز می‌رسید. یک بار دختران کاکایم (عمویم) زودتر از ما کاست او را از کابل خریده بودند. برای شنیدن آن یا باید خانه کاکا می‌رفتیم یا منتظر می‌ماندیم که بعد از چند روز برای چند ساعتی آن را به ما قرض بدهند.

بلیط‌های کنسرت او پیشتر برای ماموران دولت، کارمندان شرکت سپین‌زر و جمعی از واسطه‌داران (پارتی‌داران) رسیده بود. آن جمعیت به آرامی و متانت خاص که از تقاضاهای اصلی بزرگان خانواده‌ها بود، به کنسرت گوش می‌دادند.

حتماً روز پیش از کنسرت چندین بار شنیده بودند: سنگ در جای خود سنگین است. از سنگ صدا می‌برآمد و از آن‌ها نه. مثلی که شعار همه یک باره این بیت معروف شده بود که:

ز دیگ پخته گان ناید صدایی / خروش از مردمان خام خیزد
آن روزگار در قندوز کس چه می‌دانست که در کنسرت های احمدظاهر در کابل، شوری ایجاد می‌شد استثنایی که از هیجان مردم، تالار می‌جنبید. اما در قندوز دوست داشتی: زمین جنبید، نجنبید گل محمد!

همان بود که احمدظاهر فرمایش فوراً از سرزمینی که در گذشته در باره‌اش می‌گفتند «مرگ می‌خواهی، قندوز برو»، به سوی شهر عاشقان و عارفان رخت سفر بربست. تبصره او بر چگونگی کنسرتش در قندوز کوتاه ولی جانانه بود: «هیچگاه دیگر در آن شهر کنسرت نخواهم داد، زیرا مردم آن مثل کلوخ های چشم‌دار هستند!»

بسیار پسان‌ترها بود که فهمیدم، این اولین باری بوده که با شوخ طبعی احمدظاهر برخورد کرده بودم.

نمی‌دانم میان موسیقی و شوخ طبعی چه رابطه برقرار است ولی می‌دانم بسیاری از هنرمندان موسیقی ما کسانی هستند که طبع شوخ دارند و مطایبه و بذله‌گویی از فضایل شان به شمار می‌رود.

در میان اهل موسیقی، ظرافت‌ها، نکته‌سنجی‌ها، مزاح و شوخی‌های احمدظاهر مشهور است. تعدادی از آن‌ها که دهن به دهن و سینه به سینه نقل می‌شود، حاکی از استعداد حاضر جوابی او است و قصد آن‌ها فقط تولید خنده و ایجاد فضای شاد است. این‌ها یادگارهای هنرمندی است که شادی می‌آفرید و فضای خوش‌آیند خلق می‌کرد:

جشن عروسی‌اش

در جشن عروسی او، محمدظاهر پادشاه سابق شرکت کرده بود.

می‌رود و نقل هر مجلس می‌شود نه از گمنامان و مردم عادی جامعه. آنچه او به امیرعباس هویدا نخست‌وزیر سابق ایران گفت، از آنچه او در مقابل شاه افغانستان انجام داد، هیچ کمی نداشت.

مرحوم هویدا در ملاقات‌هایشان به منظور امتنان برایش گفته بود: مرسی! احمدظاهر جواب داده بود: «تنک یو، وری مچ». برای نخست‌وزیر تعجب آور بود که چرا کسی که تا به حال با او فارسی حرف می‌زد، به یکباره انگلیسی صحبت می‌کند. احمدظاهر گفته بود: چون شما هم با من به فرانسوی صحبت کردید! این یعنی استدلال طنزآمیز در مقابل این بعضی ادعاهای بود که گویا افغان‌ها فارسی را درست صحبت نمی‌کنند.

رابطه با پدر

از خاطره‌های که از احمدظاهر ذکر می‌کنند چنین برمی‌آید که طبع شوخ او چندان در بند حدود و ثغور سنت‌های معمول جامعه نیست. وقتی در یک محفل عروسی داخل شد، به مجرد آمدن او پدرش محمدظاهر که زمانی صدراعظم بود، از جا برخاسته محفل را ترک کرد. یکی پرسید که ظاهر جان، صدراعظم صاحب کجا رفتند؟ او با انگشت به سوی خود اشاره کرده جواب داد: جای که این ظاهر باشد، آن ظاهر را صبر است. میان پدر صدراعظم و پسر هنرمند ولی احترام متقابل وجود داشت و هر دو از جایگاه خود در جامعه کم و بیش آگاهی داشتند.

در دعوتی که در باغ شکر دره، ظاهر هویدا (آوازخوان مشهور افغان) و خانم او مهمان احمدظاهر بودند، وقتی پدر خواست به مجلس آنها بییونند، اول کسی را فرستاد و از احمدظاهر اجازه شرکت در مجلس خصوصی آنها را طلبید بعد که اجازه داده شد به آنها پیوست. همانجا از حرف‌های آن روز پدر چنین برداشت کرد که گویا می‌خواهد بگوید که شهرت او مدیون پدر صدراعظم اوست. به پدر گفت، بیایید به بازار شکر دره برویم و ببینیم که کدام یک از ما دونفر می‌تواند بدون پول، یک کاسه ماست از یک دکان بگیرد؛ و گفت، خواهیم دید که جزاۀ کدام یک از ما با شکوه تر بدرقه خواهد شد. طنز سرنوشت اینکه احمدظاهر در گپ‌های خود کاملاً حق به جانب ثابت شد.

«چه وقت آدم می‌شوی؟»

خانم او این کار را می‌کند ولی احمدظاهر چه می‌کند؟ خود را بر پاهای شاه می‌افکند. این عمل او تناقض عجیبی میان رفتار دو انسان را، مقابل شاه نشان می‌دهد که هر دو در جای درست خود قرار نمی‌گیرد. اصولاً احمدظاهر که مرد است و در جامعه افغانی در موقعیت برتر جنسیتی قرار دارد و از نظر اجتماعی هم لاقفل در میان شهرنشینان دارای موقف مهم اجتماعی است، باید با شاه طور دیگری رفتار می‌کرد.

از طرف دیگر خانم او هم که از نظر موقعیت جنسیتی در جامعه افغانی در مقام پایین‌تر جا دارد و یگانه اهمیت اجتماعی او این است که زن احمدظاهر است، باید به گونه دیگر با شاه وقت روبرو می‌شد. هر دو مبالغه آمیز عمل می‌کنند. سناریوی این کار توسط احمدظاهر ساخته شده، مثل آنکه می‌خواست بگوید، این رابطه‌ها همه مضحک است و باید با آن‌ها برخورد تمسخر آمیز و ریشخند آمیز کرد که می‌کند.

دیدار با امیرعباس هویدا

طبع شوخ او پروای مقام و منصب را نداشت. شاید می‌دانست که این حکایت‌های نام‌آوران و بزرگان است که گوش به گوش

وزارت امور داخله: قطع کننده انگشت رای دهنده گان کشته شد



وزارت داخله در اطلاعیه‌ی اعلام کرد که فرمانده طالبانی که در روز انتخابات، انگشت ۱۱ نفر را در غرب کشور بریده بود، کشته شد.

دفتر مطبوعاتی وزارت داخله روز دوشنبه با انتشار اطلاعیه‌ی اعلام کرد که ملا شیرآغا یک نفر از فرماندهان طالبان که در روز برگزاری دور دوم انتخابات ریاست جمهوری کشور، انگشت ۱۱ نفر را به جرم رأی دادن بریده بود، کشته شده است.

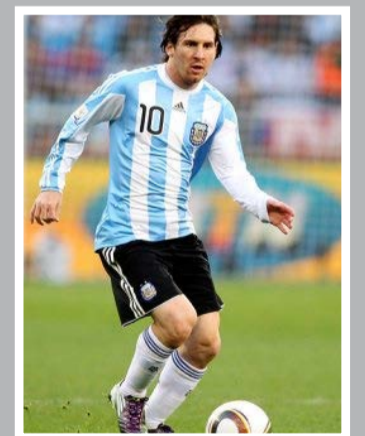
بر اساس این اطلاعیه، ملا شیرآغا روز شنبه انگشتان ۱۱ نفر از شهروندان منطقه رباط سنگی ولایت هرات را به جرم شرکت در انتخابات، بریده بود.

در اطلاعیه آمده است که این فرمانده طالبان روز گذشته در منطقه رباط سنگی این ولایت همراه با یک نفر دیگر توسط نیروهای امنیتی کشته شد.



ورزتر

فقط مسی می تواند مسی را مهار کند



است! وی افزود: در حدود یک ساعت اولیه بازی مسی آرام بود و کار خیلی خاصی نکرد ولی او مسی است و در یک لحظه مناسب درست زمانی که تیم آرژانتین به او نیاز داشت کارش را انجام داد. مسی با گلی که به ثمر رساند کلاس بازی خود را نشان داد. هافبک تیم قاضیان‌تپه‌اسپور ترکیه در پایان خاطر نشان کرد: امیدوارم لیونل بتواند با آرژانتین به قهرمانی این دوره از رقابت‌های جام جهانی برسد. این تنها عنوانی است که مسی در بین کلکسیون افتخاراتش کم دارد. اگر مسی موفق به عملی کردن این رؤیایش شود تبدیل به بهترین بازیکن تمامی ادوار تاریخ فوتبال خواهد شد.

آرژانتین در دیدار بعدی خود به مصاف ایران می‌رود و بوسنی‌وهرزگوین هم در دومین دیدار خود در مرحله گروهی جام جهانی به مصاف نیجریه خواهد رفت.

هافبک جدیدی چلسی می‌گوید که مورینیو حرفه‌ایی را بر زبان آورد که او می‌خواست. فابریگاس گفت که ونگر اعلام کرد که نیازی به او ندارد.

سسک فابریگاس پس از کش و قوس های زیاد از آرسنال جدا شد تا پیراهن آبی اناریها را بر تن کند این در حالی بود که او در توپچی‌های لندن با وجود سن بسیار کم بازوبند کاپیتانی را بر بازو می‌بست. او در بارسلونا با آن که جام‌های زیادی را به دست آورد، موفق نبود و همین مسئله باعث شد تا از آبی-اناری‌ها جدا شود و

به فوتبال جزیره بازگردد با این تفاوت که این بار پیراهن چلسی را بر تن خواهد کرد. فابریگاس که در حال حاضر تیم ملی فوتبال اسپانیا را در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل همراهی می‌کند درباره دلایل جدایی خود از بارسلونا و پیوستن به چلسی سخن گفت. او می‌گوید در حالی که چلسی را به عنوان تیم جدید خود انتخاب کرد که آرسنال هم می‌توانست او را جذب کند. فابریگاس گفت: چیزی برای گفتن ندارم. احساس

فابریگاس:

ونگر گفت که نیازی به من ندارد



کردم دوران من با بارسلونا به پایان رسیده و زمان جدایی فرارسیده است. به همین خاطر تصمیم گرفتم بارسلونا را ترک کنم و تیم جدیدم را انتخاب کنم. نمی‌خواهم درباره این موضوع صحبت کنم چرا که در حال حاضر برای تیم ملی فوتبال اسپانیا بازی می‌کنم و می‌خواهم روی این تیم تمرکز کنم. او ادامه داد: چند پیشنهاد خوب داشتم. آرسنال هم می‌توانست من را جذب کند. چرا که بندی در قراردادم وجود داشت که

اجازه می‌داد به آرسنال برگردم. ونگر به من گفت که در پست من مسوت اوزیل بازی می‌کند و دیگر در این پست به بازیکن دیگری نیاز نداریم.

کاپیتان سابق آرسنال درباره این سوال که چگونه تصمیم گرفت تا به چلسی بپیوندد این گونه پاسخ داد: می‌خواستم به لیگ برتر انگلیس بازگردم. با مورینیو تماسی داشتم. او حرفه‌ایی زد که می‌خواستم بشنوم. مورینیو من را قانع کرد تا به چلسی بپیوندم و خیلی زود در گفتگویی کوتاه همه چیز حل شد.

فابریگاس در حالی تصمیم گرفت که به چلسی بپیوندد که هدایت این تیم را ژوزه مورینیو سرمربی سابق رئال مادرید بر عهده دارد. مورینیو پیش از این بارها با تیم رئال برابر بارسلونا که فابریگاس در آن بازی می‌کرد قرار گرفت. با توجه به سابقه دشمنی مورینیو با بارسلونا انتظار می‌رفت که فابریگاس تیمی غیر از تیم مورینیو را انتخاب می‌کرد اما با این حال او ترجیح داد تا به چلسی بپیوندد و شاگرد آقای خاص شود.

Mandegar

د شمالي وزيرستان عمليات، په افغانستان کې د جگړې لپاره پيل شوي



ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، چې په شمالي وزيرستان کې پيل شوي عمليات د پاکستان د پوځ او استخباراتو د يوه ځانگړي پلان له مخې پيل شوي، چې موخه يې په افغانستان کې د جگړې گرمول دي. هغه زياته کړه، چې دغه عمليات د افغانستان په چارو ناوړه اغېز کوي او د پاکستان پوځ غواړي له دې لارې افغانستان ته بېلابېل وسله وال جنگيالي را واستوي.

ښاغلي امرخېل وويل، د دغو عملياتو ته لږ کې دوه ډوله کډوال افغانستان ته راځي يوه ډله هغه چې په رښتيا هم بې وسه دي او له جگړو را تښتېدلي؛ خو دويمه ډله يې هغه کسان دي چې د پاکستان استخباراتو او پوځ په افغانستان کې د جگړې گرمولو لپاره را استولي دي.

د ده په خبره، دا د ای اېس ای يو ځانگړی پلان و، چې په دې حساس وخت کې په شمالي وزيرستان کې عمليات پيل کړي او خپل تربيه شوي جنگيالي افغانستان ته راواستوي: ((دلته به داسې کسان را ولېږي، چې طالبان په ځان پورې حيران کړي. ځکه خلک احساساتي دي ډېر ژر تېروځي. په افغانستان کې يوازې او يوازې غواړي جگړه توده وساتي.))

د پوځي چارو دغه کارپوه زياتوي، افغان بايد د راغلو کډوالو په منځه کې خپل استخبارات پياوړي کړي، کډوال چان کړي، هغه کسان چې رښتيني کډوال دي ځای دې ورکړل شي او غرضي وگړي دي ونيول شي.

ده پر حکومت د نيوکې ترڅنگ وويل، چې د دغو کسانو د چانولو او د هغوی د څارلو دروند مسووليت لري؛ خو امنيتي چارواکي ټول په دې مشغول دي، چې څوک ولسمشر کېږي او څه دنده به ورکوي.

ښاغلي امرخېل وويل، حکومت بايد په شمالي وزيرستان کې د عملياتو له پيلېدو وړاندې دفاعي پاليسي پياوړې کړي وای، له پاکستان سره په پوله يې بايد خپل استخبارات او امنيتي ځواکونه پياوړي کړي وای، د پاکستان له هر اقدام يې سترگې نه وای اړولي او وضعيت يې ښه څارلی وای: ((د دغو کډوالو په جامه کې به رقم رقم خلک ای اېس ای افغانستان ته را نښاسي.))

د يادونې وړ ده، چې له دې وړاندې د خوست والي عبدالجبار نعيمي رسنيو ته ويلي ول، چې دوی له شمالي وزيرستانه راغلو کډوالو ته هر ډول مرستې برابرې کړي او په دې برخه کې يې له نړۍ والو ټولنو هم مرسته غوښتې ده. هغه ويلي ول، چې په لسگونه زره کسان له شمالي وزيرستان نه خوست ته را کډه شوي دي.

شورای امنیت ملی افغانستان:

نظامیان پاکستانی برخلاف وعده حکومت شان عمل کردند



شورای امنیت ملی افغانستان طی نشستى حوادث روز برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را به بررسی گرفته و همچنان از ادامه حملات توپخانه‌ی ارتش پاکستان بر مناطق شرقی کشور به شدت انتقاد کرده است.

ارگ ریاست جمهوری در خبرنامه‌ی نوشته است: در این جلسه بعد از استماع گزارشات مسوولین سکتور امنیتی در رابطه به برگزاری موفقانه دور دوم انتخابات ریاست جمهوری، شورای امنیت ملی از سعی و تلاش نیروهای دفاعی و امنیتی کشور برای تأمین امنیت دور دوم انتخابات قدردانی نمود و هماهنگی و تفاهم میان سطوح مختلف اردو، پولیس و امنیت ملی را ستوده و آنرا قدم مهم در راه مسلکی شدن نیروهای امنیتی کشور دانست.

از جانب دیگر، مسوولین امنیتی کشور یاد آور شدند که همکاری مردم برای دفع و ترد حملات احتمالی تروریستان در روز انتخابات بی نظیر بوده و اساساً مبتنی بر همین همکاری‌های مردم با نیروهای امنیتی بود که جلو چندین حمله دشمن گرفته شد. شورای امنیت ملی به‌نوبه خویش از همکاری بی‌شایبه مردم در تأمین امنیت روز انتخابات ستایش به‌عمل آورد. همچنان شورای امنیت ملی کشور از نقش مثبت رسانه‌ها در این پروسه، قدردانی کرد.

در ادامه گزارش‌های امنیتی مربوط به روز انتخابات، شورای امنیت ملی تداوم حملات توپخانه‌ی پاکستان را بر مناطق شرقی کشور شدیداً تقبیح نموده، خاطر نشان ساخت که این

عمل بیانگر این واقعیت است که نظامیان پاکستانی برخلاف وعده‌هایی که از جانب مقامات شان مبنی بر همکاری در راستای تدویر انتخابات دور دوم ریاست جمهوری نموده بودند، عمل کرده است. در ادامه، وزیر دفاع ملی کشور گزارش ابتدایی خویش را در مورد خریداری سه فروند طیاره انتونوف (ای ان ۱۴۰) از کشور اوکراین به جلسه اریه نمود.

وی خاطر نشان ساخت که تغییرات سیاسی و مشکلات اخیر در کشور اوکراین باعث گردیده تا کمپنی‌ی که مسوولیت فروش و انتقال طیارات یاد شده را داشت، قرارداد مذکور را فسخ نماید. به همین منظور وزارت دفاع ملی با کمپنی‌های خارجی دیگر در تماس است که گزارش مفصل آن در جلسه آینده شورای امنیت ملی تقدیم خواهد شد.

در اخیر جلسه، شورای امنیت ملی روی موضوع تهیه اسلحه خفیه برای قطعه رجال برجسته وزارت امور داخله از طریق کمپنی‌های خصوصی بحث نمود. فیصله گردید تا به تأسی از فیصله‌های قبلی، خریداری و اكمال اسلحه مورد نیاز نیروهای امنیتی صرف از طریق مجاری دولتی صورت گیرد و پیشنهاد ارائه شده، رد گردید.

افزایش ۳۰ درصدی خشونت‌های خیابانی در هرات

برخاسته از خصومت‌های شخصی اشاره داشت. ماریا بشیر، رییس دادستانی هرات در گفت‌وگویی اختصاصی با خبرنگاری جمهور بیان کرد: از آغاز سال جاری تاکنون، ۷۱ قضیه خشونت در ولایت هرات به ثبت رسیده که اکثراً مربوط به درگیری‌های خیابانی است.

وی از آن جمله به زد و خورد با سلاح سرد و خشونت‌های اجتماعی اشاره کرد.

خانم بشیر تاکید نمود که این آمار، نسبت به فصل بهار سال گذشته ۳۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

رییس دادستانی هرات تصریح کرد که مهمترین دلیل این گونه واقعات، ... ادامه صفحه ۶



خشونت‌های خیابانی در شهر هرات ۳۰ درصد نسبت به گذشته افزایش یافته است. دادستانی هرات می‌گوید که نسبت به بهار سال گذشته، واقعات درگیری‌های خیابانی افزایش یافته که از آن جمله می‌توان به درگیری‌های

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفتار څارچې
سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر



نارسیده به منزل یا دفتار
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی



حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵